



Studying the Documents of International Organizations on the Design Approaches in Historical Districts in the Contemporary era

ARTICLE INFO

Article Type

Analytic Study

Authors

Ilgar Ardabilchi 1
Saeed Haghir 2*
Hamed Mazaherian3
Saeid Khaghani 4

How to cite this article

Ardabilchi I, Haghir S, Mazaherian H, Khaghani S, Studying the Documents of International Organizations on the Design Approaches in Historical Districts in the Contemporary era , 2024 March 24,14(1):66-89

<https://doi.net/20.1001.1.23224991.1403.14.1.5.9>

1. Ph.D. Researcher, Architecture Department, Fine Arts College, Tehran University, Tehran, Iran.
2. Ph.D. In Art History and Philosophy, Landscape Architecture department, Fine Arts College, Tehran University, Tehran, Iran
3. Ph.D. In Islamic Architecture, Architecture department, Fine Arts College, Tehran University, Tehran, Iran.
4. Ph.D. In Architecture, Conservation department, Fine Arts College, Tehran University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Ph.D. In Art History and Philosophy, Landscape Architecture department, Fine Arts College, Tehran University, Tehran, Iran
Email:

Saeed.haghir@ut.ac.ir

Phone:

Article History

Received: 2023/05/19

Accepted: 2023/08/14

Published: 2024/03/24

ABSTRACT

Aims: Adding a structure to a historical district is one of the methods of urban conservation, which is associated with more intense interventions. Therefore, it requires more attention. In this regard, related international organizations have addressed this issue in drafting documents. Studying these documents is important since they are the basis for developing design standards and define evaluation rules. However, until now, they have been less in-depth analyzed. Based on this, in this research, in order to formulate the position raised in these documents in the form of design approaches, what they are was followed up. For this purpose, by studying the documents, the required data were collected and coded.

Methods: To get the overall picture, the resulting codes were analyzed with the help of comparison and also were quantified and analyzed with the help of SPSS software.

Findings: The collected data show that there are two distinguishable attitudes in the position of international organizations regarding conservation by adding to a historical district. The Venice Charter (1964), the Washington Charter (1987), Principles for the Analysis, Conservation and Structural Restoration of Architectural Heritage (2003), the New Zealand Charter (2010), and the Bora Charter (2013) give priority to consider a historical district as document over a part of city. While in other documents, both attitudes are mentioned simultaneously. With the difference that in the declaration of Tlaxcala (1982) and the declaration of San Antonio (1996), this attitude is influenced by a traditionalist point of view, and in the rest of the cases, it is based on modernism, which shows the dominance of this attitude in the documents. Arising from the correlation of the proposed approach and attitude, in the Venice Charter, Washington Charter, Principles for analysis, Bura Charter and New Zealand Charter, avoiding change is preferable to the necessity of change...

Conclusion: Therefore, it can be concluded that, in general, three design approaches are mentioned in the historical district in the documents of international organizations

Keywords: design approach, historical district, international organizations, UNESCO, ICOMOS.

REFERENCES

- [1] Azizi M. The evolution of intervention policies in old urban ... [2] Neuman W. Social Research Methods: Qualitative,... [3] Groat L, Wang D. Architectural Research Methods ... [4] The Getty Conservation Institute. ... [5] Mazaherian H, Shahtemori Y. ... [6] Oers R. Managing cities and the... [7] Beigzadeh Shahraki H, Masoud M. Principles of,... [8] Beigzadeh Shahraki H. Infill ... [9] Masoud M, Beigzadeh Shahraki H. Infill building.... [10] Abrar N. CONTEMPORARY ARCHITECTURE ... [11] ICOMOS. International Charter and... [12] ICOMOS. The International... [13] ICOMOS. The Declaration of Amsterdam. Congress on the European... [14] ICOMOS. Recommendation ... [15] ICOMOS. Tlaxcala Declaration on the ... [16] ICOMOS. Appleton Charter for the Protection and Enhancement... [17] ICOMOS. The Washington Charter: Charter on the Conservation ... [18] ICOMOS. The Declaration of San ... [19] ICOMOS. Charter on the Built Vernacular Heritage, the ICOMOS 12th ... [20] ICOMOS. International Cultural ... [21] ICOMOS. The Charter of Krakow... [22] ICOMOS. ICOMOS charter: Principles for ... [23] ICOMOS. New Zealand Charter. ... [24] ICOMOS. The Valletta Principles for the Safeguarding ... [25] ICOMOS. The Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter... [26] ICOMOS. Principles for ... [27] UNESCO. Recommendation Concerning the Safeguarding. ... [28] UNESCO. Recommendation... [29] UNESCO. Recommendation Concerning... [30] UNESCO. Convention Concerning the.. [31] UNESCO. Vienna Memorandum on "... [32] UNESCO. Recommendation on the ... [33] UNESCO. New life for historic cities: The ... [34] UNESCO. The HUL Guidebook: Managing ... [35] UNESCO. Living with World Heritage: Adaptive... [36] CIAM. Athen Charter. 1933. Available from.. [37] Habibi M, Maghsoodi M. Urban restoration.. [38] The Council of Europe. European charter of the.. [39] The Council of Europe. Convention for Protection. [40] Bahreini H, Isadi M, Mofidi M. The Approaches.. [41] Gharehbaglou M, Nejad Ebrahimi A, Ardabilchi.. [42] Gharehbaglou M, Balali Oskui A, Ardabilchi.. [43] Gharehbaglou M, Ardabilchi I. The Impact.. [44] Pandya S. Architecture in national identities: a critical... [45] Shahrokhi, S., Niknami, K., Izadi, M. The role of two ... [46] Schumacher P. The Autopoiesis of Architecture, Volume.. [47] Abastante F, Corrente S, Greco S, Ishizaka A, Lami IM. Choice architecture for architecture choices: Evaluating social housing initiatives...

مطالعه‌ی اسناد سازمان‌های بین‌المللی در تدوین رویکردهای طراحی میان بافت تاریخی در دوران معاصر

ایلغار اردبیلچی^۱، سعید حقیر*^۲، حامد مظاهریان^۳ سعید خاقانی^۴

۱- دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، پردیس هنرهای

زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- دکتری تاریخ و فلسفه هنر (گرایش معماری)، گروه معماری

منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳- دکتری معماری اسلامی، گروه معماری، منظر، پردیس هنرهای

زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴- دکتری معماری، گروه مرمت، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه

تهران، تهران، ایران.

چکیده

اهداف: افزودن ساختار جدید به بافت تاریخی از روش‌های حفاظت شهری است که با مداخلات شدیدتری همراه و در نتیجه نیازمند توجه بیشتری است. در این راستا، سازمان‌های بین‌المللی در تدوین اسناد خود به این موضوع پرداخته‌اند. بررسی این اسناد از آنجایی که مبنای تدوین استانداردها و دستورالعمل‌های طراحی‌اند، اهمیت دارند. با این وجود، تا به حال، کمتر به طور دقیق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. بر این اساس، در این پژوهش، به منظور صورت‌بندی موضع مطرح در این اسناد در قالب رویکردهای طراحی، چستی‌شان پیگیری شد.

ابزار و روش‌ها: بدین منظور، با مطالعه‌ی اسناد، داده‌های مورد نیاز گردآوری، بر اساس مضمون و ساختار رویکرد طراحی کدگذاری و برای دستیابی به تصویر کلی، کدهای حاصل به کمک مقایسه‌ی تطبیقی و همچنین با کمی‌سازی و به کمک نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها: داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهند که در موضع سازمان‌های بین‌المللی در مورد حفاظت به روش افزودن به بافت تاریخی، دو نگرش قابل تفکیک مطرح است. منشور ونیز (۱۹۶۴) منشور واشنگتن (۱۹۸۷)، منشور اصول بررسی، حفاظت و مرمت ساختاری میراث معماری (۲۰۰۳) و منشور نیوزلند (۲۰۱۰) و منشور بورا (۲۰۱۳) قائل به ارجحیت سندنواری بر بافت‌شهری‌انگاری بافت تاریخی هستند. ولی سایر اسناد، هر دو نگرش را توأمان مطرح می‌کنند. با این تفاوت که در بیانیه‌ی تلاکسالا (۱۹۸۲) و بیانیه‌ی سن‌آنتونیو (۱۹۹۶) این نگرش متأثر از نگاهی سنت‌گرا و در باقی موارد بر مبنای نوگرایی است که نشان از غالب بودن این نگرش در اسناد دارد. برخاسته از همبستگی نگرش و رهیافت، در منشور ونیز، واشنگتن، اصول بررسی، بورا و نیوزلند، اجتناب از تغییر بر ضرورت تغییر ارجح است. سایر اسناد قائل به مدیریت تغییرند. با این تفاوت که در دو سند

تلاکسالا و سن‌آنتونیو این مدیریت در معنای سنتی آن مطرح است و در باقی اسناد مدیریت با پذیرش گذر از عصر سنت و آغاز عصر مدرن توصیه شده است. بنابراین رهیافت آخر، رهیافت غالب در اسناد است. متأثر از رهیافت، منشور ونیز، واشنگتن، اصول بررسی، بورا و نیوزلند به همانندی طرح پیشنهادی با بافت تاریخی توصیه کرده‌اند و باقی اسناد قائل به هماهنگی طرح به کمک ارجاع به ویژگی‌های بافت تاریخی هستند که برخاسته از تفاوت در نگرش و رهیافت، در بیانیه‌های تلاکسالا و سن‌آنتونیو هماهنگی در معنای تبعیت از سنت‌های طراحی در معماری و شهر است. ولی سایر و اغلب اسناد، هماهنگی در معنای طرحی متأثر از ویژگی‌های بافت تاریخی و در صورت سازگاری، با بیانی معاصر به کار برده شده است.

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان نتیجه‌گرفت در حالت کلی، سه رویکرد طراحی در بافت تاریخی در اسناد سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده است.

کلمات کلیدی: رویکرد طراحی، بافت تاریخی، سازمان‌های بین‌المللی، یونسکو، ایکوموس.

مقدمه

معاصر سازی به‌عنوان یک رویکرد در حفاظت شهری برای اولین بار در آرای بویی‌تو مطرح شد [۱]. این رویکرد با مداخلاتی در بافت تاریخی، آن را به روز کرده و برای زندگی روزمره در هر عصر مناسب می‌کند. به بیان ساده‌تر، با ایجاد تغییراتی، از آن به‌عنوان موضوع حفاظت نگهداری می‌کند. این مداخلات یا تغییرات به روش‌های متفاوتی انجام می‌شود که یکی از آن‌ها افزودن ساختارهایی در بافت تاریخی است. این روش، تأثیر قابل توجهی بر ویژگی‌های بافت تاریخی دارد و از جایی که هدف در هر روش حفاظت، حفظ ویژگی‌های بافت تاریخی است، افزودن ساختارهایی به آن نیازمند دقت و توجه بیشتری است. از این رو سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه دو سازمان ایکوموس و یونسکو، در اسناد خود به طور خاص یا در چند بند به این موضوع پرداخته‌اند. مواضع مطرح در این اسناد در قالب رویکردهای طراحی و به عنوان قوانین نرم، جهت‌دهنده و مبنای تدوین استانداردهای طراحی و ارزیابی‌اند. به این دلیل، بررسی، تحلیل و تدقیق‌شان اهمیت دارد؛ مطالعه‌ای که تا به حال کمتر به آن توجه شده است. بیشتر پژوهش‌هایی که به این بررسی پرداخته‌اند، تمامی اسناد را منظور نکرده، و با تکیه بر مشابهِت‌ها و صرف‌نظر از تفاوت‌ها طرح موضوع کرده و بر این اساس، تصویری از رویکردهای طراحی مطرح، ارائه نداده‌اند. از این رو، در این

پژوهش، به منظور صورت‌بندی آن‌ها، توصیف رویکرد و ساختار آن پیگیری می‌شود.

روش

به منظور توصیف موضع سازمان‌های بین‌المللی در قالب رویکردهای طراحی پیشنهادی، داده‌های مورد نیاز به کمک مطالعه‌ی اسناد منتشر شده در قالب منشورها، توصیه‌نامه‌ها، بیانیه‌ها و کنوانسیون‌ها گردآوری شده و بر اساس مضمون و ساختار رویکرد طراحی در سه سطح نگرش، رهیافت و روش، کدگذاری می‌شوند. این کار "داده‌های خام را در قالب طبقات مفهومی سازمان‌دهی می‌کند و مضمون‌ها یا مفاهیمی را ایجاد می‌کند که [می‌توان] از آن‌ها برای تحلیل داده استفاده کرد." [۲]. کدگذاری، در واقع، با تخصیص واحدهای معنایی به اطلاعات توصیفی گردآوری شده در خلال مطالعه، بستر مناسبی برای جستجوی الگوهای مکرر موجود فراهم می‌کند که شناسایی آن‌ها نقش مهمی در تفسیر نگرش‌ها و روش‌های مطرح، ورای توصیف صرف آن‌ها، ایفا می‌کند؛ چرا که این الگوها، در واقع، ارتباط میان کدها را آشکار می‌کنند. ولی، از جایی که این مضامین و بالتبع کدهای معادل‌شان وابسته به شرایط زمانی هستند، راهبردهای غالب حفاظت شهری در دوره‌ی مدّ نظر بر اساس تقسیم‌بندی بحرینی و دیگران (۱۳۹۳) در زمان تدوین سند هم، در بررسی‌ها منظور می‌شود. به این طریق، رویکرد مطرح در هر سند مشخص می‌شود.

ولی برای دستیابی به تصویر کلی از آن و توصیفش، کدهای اسناد در هر سطح با هم مقایسه می‌شوند. این مقایسه‌ی تطبیقی گروه‌بندی مواضع مشابه را بر مبنای نقاط اشتراک و تفکیک آن‌ها را بر مبنای تفاوت‌ها ممکن می‌کند. همچنین، از این راه، ارتباط میان نگرش، رهیافت و روش بر مبنای مدل روش‌شناسی گروت (۲۰۱۳) قابل پیگیری می‌شود. در این مدل، روش، به طور کلی تابع بنیان‌های فلسفی است. بنیان فلسفی خود مشتمل بر سامانه‌ی پژوهش و راهبرد است و همچون روش، راهبرد نیز تابع سامانه است [۳]. بر این مبنا و متناسب با ساختار رویکرد طراحی، در این پژوهش، روش به همان شکل، راهبرد با مفهوم رهیافت طراحی و سامانه‌ی پژوهش با نگرش جایگزین شد. بنابراین با دستیابی به موضع هر سند در قالب رویکرد طراحی پیشنهادی، درک شباهت‌ها و تفاوت‌های مواضع با مقایسه‌ی تطبیقی، گروه‌بندی رویکردها مبتنی بر آن‌ها و تدقیق بر ساختارشان بر مبنای مدل گروت، چستی آن‌ها توصیف می‌شود. به علاوه کدهای حاصل، کمی‌سازی هم شده و به کمک نرم‌افزار SPSS تحلیل توصیفی شدند. این کار، رویکردهای غالب و وجود ارتباط میان سطوح آن‌ها را پیگیری می‌کند. بنابراین با کاربست روش‌های تحلیل کیفی و کمی به صورت هم‌زمان، رویکردهای طراحی در بافت تاریخی بر اساس اسناد تدوین شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی مرتبط مشخص می‌گردد (نمودار ۱).



نمودار ۱- فرآیند پژوهش (منبع: نگارندگان)

1 Descriptive statistics

پیشینه‌ی پژوهش

جامع‌ترین پژوهش مرتبط با این موضوع، کتاب‌شناسی معماری معاصر در محیط تاریخی است که از سوی انستیتوی حفاظت گتی (۲۰۰۵) تدوین شده است. در فصل اول این نوشتار سیاست حفاظت مطرح شده در اسناد منتشر شده از سوی دو سازمان بین‌المللی ایکوموس و یونسکو آورده شده‌اند [۴] ولی به جمع‌بندی و تحلیل آن‌ها پرداخته نشده است. به علاوه، مظاهریان و شاه‌تیموری (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان رویکردهای جهانی به حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی (بررسی نظریه‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی)، به بررسی ایده‌ها و نظریه‌ها، توافق‌نامه‌ها و منشورهای مرتبط جهت استفاده از آن‌ها به منظور دستیابی به رهنمودهای طراحی ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی پرداخته‌اند. در این پژوهش نتیجه‌گیری شده است که نه تنها به طور کلی هیچ سندی حضور ساختارهای جدید را منع نکرده است بلکه آن‌ها عامل تداوم تاریخ و غنا یافتن محیط‌های تاریخی، نیز، دانسته شده است. اما همگی بر این موضوع اشاره داشته‌اند که حضور ساختارهای جدید نباید محیط اطراف را تحت تأثیر سوء قرار داده و باید به گونه‌ای باشد که ضمن توجه به حجم، رنگ، شکل، تناسبات، مقیاس

و مصالح موجود، بر بناهای اطراف غالب نبوده و به چشم‌اندازها و دیدهای اصلی آسیب نرساند. این ساختار می‌تواند بنایی مدرن یا بازنمایی بناهای اطراف خود باشد ولی عدم تقلید از آن‌ها نیز باید منظور گردد [۵]. در این پژوهش، برخلاف نوشتار قبلی، در کنار توصیف موضع سازمان‌های بین‌المللی به ارائه‌ی دستورالعمل‌های طراحی پرداخته شده که حاصل اتکا به وجوه مشترک اسناد، فارغ از تفاوت‌هاست. به علاوه، تنها اسناد منتشر شده تا سال ۲۰۰۵ م. و نه تمامی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اُئرز (۲۰۱۰) نیز در بخشی از مقاله‌ی خود با عنوان "مدیریت شهرها و مناظر شهری تاریخی" به مرور چهار سند مهم مرتبط پرداخته و راهبرد توصیه‌شده را در چند گام تلخیص کرده‌است (جدول ۱). او این کار را با هدف نشان دادن قدیمی بودن آخرین سند منتشر شده و در نتیجه عدم همگامی آن با شرایط حال حاضر و عدم توجه به موضوعات کلیدی چون اهمیت منظر به عنوان لایه‌بندی‌ای از دینامیسم‌های پیشین و فعلی و اهمیت نقش معماری معاصر که پیش از این با عنوان زمینه‌گرایی بناهای جدید مطرح می‌شد، انجام داده است. این پژوهش نیز، تنها به توصیف چند سند مرتبط پرداخته و خلاءهای موجود در آن‌ها را مطرح کرده است ولی تصویری دقیق‌تر از نظریه‌های پیشنهادی ارائه نداده است [۶].

جدول ۱- سیاست‌ها و راهبردهای پیشنهادی چهار سند مهم بین‌المللی در ارتباط با موضوع توسعه در فرآیند حفاظت، منبع: [۶].

توصیه‌نامه حفاظت از سرمایه‌های فرهنگی (۱۹۶۸)	کنفرانس تائروبی (۱۹۷۶)	منشور واشنگتن (۱۹۸۷)	منشور وین (۲۰۰۵)
۱. تدوین معیارهای قانونی جهت اطمینان از حفاظت از بافت	۱. انجام پیمایش‌های دقیق از مناظر تاریخی و اطرافشان	۱. ضرورت تدوین طرح‌های حفاظتی در توجه به تمام عوامل مرتبط شامل تاریخ معماری، جامعه‌شناسی و اقتصاد، اطمینان از ارتباطی هماهنگ میان بافت شهری تاریخی و شهر به عنوان یک کل	۱. ضرورت درک منظر شهری تاریخی در فرآیند طراحی به منظور درک صحیح خطرها و فرصت‌ها برای تضمین توسعه‌ای متعادل
۲. اطمینان از بسندگی بودجه‌ی عمومی	۲. تدوین برنامه و مدارک مناسب	۲. سازگاری عملکردها و	۲. مکمل بودن معماری معاصر و ارزش‌های منظر شهری تاریخی
۳. حمایت از اقدامات حفاظتی با نرخ مالیات، وام و ...	۳. اولویت‌بندی تشخیص پشتوانه‌های مالی عمومی	۳. تدوین برنامه‌های آموزشی	
۴. اطمینان از مسئولیت‌پذیری نهادها	توجه به سیاست بازنده‌سازی اقتصادی و اجتماعی به منظور جلوگیری از هرگونه شکاف در بافت فرهنگی		
۵. تدوین توصیه‌نامه‌ها برای عموم و بسط برنامه‌های آموزشی			

نوشتار دیگری مقاله‌ی مبانی شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی براساس بیانیه‌ها و منشورهای بین‌المللی نوشته‌ی محمد مسعود و حمیدرضا بیگزاده‌ی شهرکی (۱۳۹۳) است که برگرفته از رساله‌ی دکترای با عنوان معماری میان‌افزا در زمینه‌های تاریخی شهری: مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی؛ نمونه موردی: ساخت‌وسازهای جدید در بافت تاریخی شهر یزد (۱۳۹۳) بوده و در کتاب بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی (مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی) نیز بازنشر شده است. رویکرد این پژوهش نیز توصیفی است و بر وجوه مشترک رهنمودهای طراحی تکیه دارد. همچنین روند تغییرات را نیز پیگیری کرده است. تصویری که در این پژوهش از رویکرد طراحی ارائه شده چنین است که اسناد بین‌المللی به‌مرورزمان به دلیل اهمیت یافتن مقوله‌ی میراث فرهنگی، درک ارزش آن و آگاهی از در خطر بودن آثار کهن بیش‌ازپیش نسبت به جلوه‌های میراث توجه کرده، دگردیسی بافت تاریخی را کنار گذاشته‌اند و معیارهای طراحی را درک و شناخت عمیق از زمینه، اهتمام ویژه نسبت به مفهوم تداوم با اعتبار بخشیدن به شیوه‌های بیان تازه و خلّاقانه، برقراری انسجام و هماهنگی، الهام‌گیری از الگوهای کهن بومی و ارتقای کیفیت زندگی در بافت تعیین کرده‌اند [۷-۹]. در این پژوهش به تمایز موجود در اسناد و همچنین تحلیل آن‌ها پرداخته نشده است. به علاوه نزدیک به یک دهه از انتشار آن گذشته است که به موجب آن شامل متأخرترین اسناد منتشره نمی‌شود. ابرار (۲۰۱۹) نیز به منظوری مشابه؛ گردآوری عواملی که انسجام بنای جدید را باعث می‌شوند، به بررسی مفاد منشورهای بین‌المللی از تاریخ ۱۸۷۷ تا ۲۰۱۷ پرداخته و اصول زیر را ارائه داده است: حفظ بستر تاریخی توسط بنای جدید، ارجاع الحاقات جدید به زمان خود، اجتناب از جلب توجه الحاقات در برابر بناهای تاریخی، تناسب بناهای جدید با اطراف‌شان، اجتناب از تخریب ساختارهای تاریخی، احترام به ویژگی‌های ساختاری، زیباشناختی، تاریخی و اجتماعی، تشکیل یک شمای کلی با بافت تاریخی، توجه به مقیاس

بافت، بازگشت‌پذیری تغییراتی که موجب کاهش اهمیت فرهنگی می‌شوند، قابل تشخیص بودن بناهای جدید، تناسب بنای جدید با توده، مقیاس، ریتم و ظواهر بافت تاریخی، هماهنگی با محیط پیرامون، هماهنگی با ارتفاع، رنگ، مواد و مصالح، فرم در طرح نما و بام‌ها، احترام به اصالت و انسجام و اجتناب از کاربست سبک‌های تاریخی در طرح بنای جدید. این پژوهش هر چند که برخلاف موارد قبل، اسناد متأخرتر را نیز مدّ نظر قرار داده است ولی به تمامی اسناد پرداخته و به توصیف آن‌ها و استخراج وجوه مشترک اکتفا کرده است [۱۰]. بنابراین به طور کلی، در ادبیات این موضوع، رویکردهای طراحی صورت‌بندی نشده و به ارائه‌ی دستورالعمل‌هایی اکتفا شده است. همچنین، تحلیلی بر موضع مطرح انجام نشده و تمایزات موضع در اسناد منتشر شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی، نیز، مورد بررسی قرار نگرفته است. به علاوه، برخی اسناد نیز مطالعه نشده‌اند.

مفاد اسناد سازمان‌های بین‌المللی حفاظت در مورد طراحی در

بافت تاریخی

اسناد منتشر شده از سوی سازمان ایکوموس

با وجود قدمت بیشتر منشور آتن (۱۹۳۳)، منشور ونیز (۱۹۶۴)، پایه‌ی نظریات حفاظت دانسته می‌شود. هر چند که در بخش مقدمه‌ی آن به این موضوع اشاره شده است که منشور ونیز در ادامه‌ی منشور اولیه‌ی آتن (۱۹۳۱) است، ولی رویکرد این دو منشور در برابر حفاظت آثار معماری متفاوت است. در ارتباط با این موضوع، در بند ۵ منشور آمده است که "... حفاظت، همیشه، با ایجاد شرایط به کار بستن ... برای برخی اهداف سودمند اجتماعی تسهیل می‌شود. چنین دست کارکردهایی مطلوب هستند ولی نباید باعث تغییر در طرح کلی یا تزئینات بنا [ها] شود. در چنین محدوده‌ای، فقط اصلاحات معطوف به تغییر عملکرد، باید منظور شود ...". هیچ بنا [ی جدیدی] مجاز نیست ... که روابط احجام و رنگ را تغییر دهد" یا در ارتباط با حفاظت آثار معماری آمده است

که "بخش‌های افزوده شده باید هماهنگ با کل ولی قابل تمایز از بخش‌های تاریخی موجود باشند [۱۱].

سمپوزیوم بین‌المللی معرفی معماری معاصر در میان گروه بناهای تاریخی (۱۹۷۲)، تاکنون، از معدود اسناد بین‌المللی و تنها سند تدوین شده از سوی ایکوموس است که به طور خاص به این موضوع پرداخته است. در این سند آمده است که در شرایط فعلی حفاظت ممکن نیست مگر این‌که موضوع حفاظت نقشی در زندگی معاصر داشته باشد. بر این اساس، در این سند "پیشنهاد معماری معاصر در بافت تاریخی [پذیرفته ولی] تا زمانی ممکن است که شمای طرح شهری به عنوان بخشی از چارچوب برای توسعه‌ی آتی در نظر گرفته شود." به بیان دقیق‌تر، در ساخت این بنای معاصر افزوده شده می‌توان فنون و مصالح جدید استفاده کرد ولی تناسب با بستر تاریخی از طریق تبعیت از توده، مقیاس، ریتم و ویژگی‌های نمایان آن ضروری است تا آسیبی به کیفیت زیباشناختی و ساختاری آن نرسد [۱۲].

رویکردی مشابه منشور ونیز ولی را می‌توان در بیانیه‌ی آمستردام (۱۹۷۵) نیز دید. در این بیانیه آمده است که حفاظت یکپارچه ضروری است و "از جایی که بناهای معاصر میراث [زمان حال] برای آینده خواهند بود، تمام تلاش‌ها باید صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود که معماری معاصر واجد کیفیت بالایی است." ولی "آینده را نباید و نمی‌توان به بهای [آسیب به] گذشته ساخت" به همین دلیل بهتر است "به جای ترویج توسعه‌ی مجدد مشوق توان‌بخشی بود." و بر همین اساس توصیه می‌کند که "حفاظت یکپارچه مستلزم روش‌ها، فنون و مهارت‌های مرمت و توان‌بخشی" باشد ولی اگر افزودن معماری معاصر تنها و آخرین راه حفاظت از بافت تاریخی است، انسجام آن با بافت تاریخی ضروری و معیار، عدم آسیب به آن است. بنابراین توصیه می‌کند که "بافت تاریخی به عنوان مبنای طراحی معماری معاصر استفاده شود. حتی "اقداماتی صورت گیرد که ... مصالح بناهای سنتی در دسترس باقی‌مانده و صنایع و فنون سنتی هم چنان استفاده شود" [۱۳].

در توصیه‌نامه‌ی حراست و نقش امروز محوطه‌های تاریخی (۱۹۷۶) نیز، آمده است که همگامی میراث معماری با زندگی مدرن و جامعه‌ی معاصر، و عملکرد آن همچون محیطی هر روزه، ضرورت حفاظت است. ولی این به معنای دریافت مجوز برای ساخت معماری معاصر به هر شکلی نیست. در این توصیه نامه نوشته شده که "باید توجه ویژه‌ای به مقررات و کنترل [ساخت] بناهای جدید شود تا اطمینان حاصل شود که معماری آن‌ها هماهنگ با سازمان فضایی و بستر است. برای این کار، تجزیه و تحلیل بافت شهری باید مقدم بر هر گونه ساخت و ساز جدید باشد. این بررسی علاوه بر تعریف ویژگی‌های کلی غالب همچون هماهنگی ارتفاع‌ها، رنگ‌ها، مصالح، فرم‌ها، ویژگی‌های تکرارشونده در نماها و بام‌ها، رابطه‌ی بین حجم بناها و فضا، تناسبات آن‌ها و موقعیت‌شان را نیز مشخص می‌کند" [۱۴].

در بیانیه‌ی تلاکسکالا در مورد باززنده‌سازی سکونت‌گاه‌های کوچک (۱۹۸۲) آمده است که " ... اگر قرار است از محیط‌های سنتی سکونت‌گاه‌های روستایی و شهرهای کوچک حفاظت شود و اگر قرار است تداوم بیان معماری بومی معاصر وجود داشته باشد، باید مصالح و فنون ساخت سنتی در دسترس باشند. در غیر این صورت، از جایگزین‌هایی استفاده شود که هیچ‌گونه آسیب قابل‌توجهی در جلوه‌های بصری ایجاد نمی‌کنند ... به علاوه، اگر قرار است در این میان دست به ابتکار عمل زده شود " ... باید به عنوان بخشی از برنامه‌ای پیشنهاد شود که جنبه‌ی تاریخی، مردم‌شناسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه و امکانات احیای آن را در برگیرد. در غیر این صورت عملی سطحی و بی اثر خواهد بود [۱۵].

در منشور آپلتون برای مراقبت و ارتقای محیط‌های ساخته شده (۱۹۸۳) رویکردی اندک متفاوت مطرح شده است. در این منشور صورت‌بندی‌ای از روابط میان سطح مداخله، روش بازخورد و مقیاس مداخله ارائه شده که طبق آن بازتوسعه "افزودن ساختارهای معاصر یا افزوده‌های سازگار با سایت" و افزودن "اضافه کردن مصالح جدید با هدف بهبود است"

در ارتباط با هم هستند؛ چرا که "نیازهای جدید یا کاربری‌های جدید ممکن است نیاز به کاربری احجام، مواد و کارهای تکمیلی داشته باشد. [این افزوده‌ها] ... باید ایده‌های معاصر را منعکس کنند و درعین حال به روح [بافت تاریخی] ... احترام گذاشته و آن را تقویت کنند." [۱۶]. طبق منشور واشنگتن (۱۹۸۷) هر گونه طرح حفاظت در مقیاس شهرها، مراکز یا محله‌های تاریخی، به طور کلی و فارغ از روش مداخله، معطوف به حفاظت از شخصیت تاریخی موضوع حفاظت باید باشد. در این راستا، توجه به "الگوهای شهری تعریف شده با معابر و پارکینگ‌ها، روابط میان بناها و فضاهای سبز و باز، نمود ... درونی و بیرونی بناها که با مقیاس، ابعاد، سبک، فن ساخت، مصالح، رنگ و تزئینات تعریف می‌شود، ارتباط میان منطقه شهری و بستر طبیعی و دست‌ساخت اطرافش و عملکردهای مختلف که در طول زمان به دست آورده است" الزامی است؛ چراکه انجام هرگونه اقدامی که "تهدیدی برای این ویژگی‌ها باشد. اصالت شهر را منطقه‌ی شهری را به خطر می‌اندازد [۱۷].

بیانیه‌ی سن‌آنتونیو (۱۹۹۶) آمده است که " ... شهرها و مناظر تاریخی، ممکن است محصول افراد بسیاری در یک دوره‌ی زمانی طولانی باشند که روند خلق‌شان اغلب تا امروز ادامه دارد. این انطباق دائمی با نیازهای انسانی می‌تواند به طور فعال به حفظ پیوستگی بین زندگی گذشته، حال و آینده جوامع کمک کند. از طریق آن‌هاست که سنت‌ها حفظ می‌شوند؛ زیرا آن‌ها برای پاسخ به نیازهای جامعه تکامل می‌یابند. این تکامل طبیعی است و بخش ذاتی از میراث را شکل می‌دهد. برخی تغییرات کالبدی مرتبط با حفظ الگوهای سنتی ... لزوماً از اهمیت آن نمی‌کاهد و ممکن است در واقع آن را افزایش دهد. بنابراین چنین تغییراتی ... ممکن است به عنوان بخشی از تکامل مداوم قابل قبول باشند... صرف نظر از سایت، مداخله‌ی معاصر باید کاراکتر میراث را بدون تغییر جوهره و تعادل آن‌ها نجات دهد [۱۸].

در منشور میراث بومی ساخته شده (۱۹۹۹)، میراث معماری بومی نتیجه‌ی "فرآیندی ادامه‌دار شامل ایجاد تغییرات و تطبیق‌های متداوم" دانسته شده است. معماری بومی نشان می‌دهد که "تغییر اجتناب‌ناپذیر است" بر همین اساس طبق توصیه‌ی این منشور، حفاظت موفق از آن "مشروط به مشمولیت و حمایت [میراث] از جامعه، کاربری مداوم و دوام [آن] است." در این راستا باید دقت شود که "طرح‌های معاصر بر ... مجموعه بناهای بومی باید در احترام به ارزش‌های فرهنگی و سنتی"، "در انسجام با بستر، در ارتباط با منظر کالبدی و فرهنگی و ساختارها" باشد. بنابراین "تغییراتی که ... [قرار است] به نیازهای عملکردی معاصر پاسخ دهند باید از موادی باشند که در تداوم با [شکل] بیان، ظاهر، بافت و فرم در سراسر ساختار و یکنواختی با آن هستند، باشند [۱۹].

این درحالی است که در همان سال، در منشور بین‌المللی گردشگری فرهنگی، اولویت به دستاوردهای تاریخی داده شده تا تداوم و یکنواختی. در این منشور آمده است که "در [چنین] پروژه‌هایی ... باید ابعاد زیباشناختی، اجتماعی و فرهنگی، مناظر طبیعی و فرهنگی، ویژگی‌های تنوع زیست و بافت بصری ... میراث را در نظر گرفت. باید به استفاده از مصالح محلی و در نظر گرفتن سبک‌های معماری محلی یا سنت‌های بومی اولویت داد [۲۱].

در این میان، در منشور کراکو (۲۰۰۰) آمده است که "ابزارها و روش‌های پرداخته شده برای حفاظت مناسب باید همگام با شرایط در حال تغییر باشند که در معرض فرآیند دنباله‌دار تغییرند." از این رو توصیه می‌شود که به مناطق تاریخی چون یک کل نظر شود که ذیل فرآیند متداوم تکامل و تغییر است. بنابراین، بافت تاریخی به عنوان بخشی از شهر نیز منظور می‌شود که به موجب آن ضروری است در طرح مداخلات به کلیت مورفولوژیکی، عملکردی و ساختاری شهر ارجاع شود و اهمیت دارد که مدیریت تغییر مدنظر باشد [۲۱].

اگر به درستی مدیریت شوند، می‌توانند فرصتی برای بهبود کیفیت شهرها و مناطق شهری تاریخی باشند و از جایی که تداوم شهری عامل ارزش در این مناطق است، تعریف غنی شدن محیط با ادامه‌ی هم‌شکلی آن به عنوان یک عامل همیشه موجود است، احترام به ارزش‌های تاریخی، الگوها و طرح‌ها باید مبنای مداخلات معماری مناسب و مؤلفه‌های فضایی-بصری و عملکردی قرار گیرد. ولی در این میان تأکید می‌شود که با وجود اولویت تداوم ترکیب‌بندی، بنای جدید نباید حاصل تقلیدی فرمال و طرحی متضاد باشد [۲۴].

منشور بورا (۲۰۱۳) "از رویکرد محتاطانه در برابر تغییر دفاع می‌کند؛ تمام الزامات برای مراقبت از مکان و قابل استفاده کردن آن انجام شود ولی از سوی دیگر تا حد امکان حداقل تغییر داده شود که اهمیت تاریخی آن حفظ شود." در این راستا، انطباق مبتنی بر رویکرد محتاطانه، باید "در احترام با بافت، کارکرد، ارتباطات موجود میان مردم و مکان، و معانی موجود" صورت پذیرد و همچنین "نباید موجب تحریف شواهد کالبدی شود ...". ولی "زمانی که تغییر [به عنوان یک گزینه برای حفاظت] مطرح است، طیفی از گزینه‌ها کاوش شود تا گزینه‌ای یافت شود که هر گونه کاهش اهمیت فرهنگی را به حداقل برساند ...". با این وجود بنای جدید نه تنها باید به اهمیت فرهنگی مکان احترام گذاشته، حداقل تأثیر را بر آن داشته و متوجه موقعیت مکانی، حجم، فرم، مقیاس، شخصیت، رنگ، بافت و مصالح باشد، بلکه باید به طور کلی از تقلید هم اجتناب کرده و به طور مشخص قابل تمیز باشد [۲۵].

اصول حفاظت از سایت‌های تاریخی در چین (۲۰۱۵) به طور کلی، ضرورت حفاظت از محوطه‌های تاریخی را حفاظت از وضعیت تاریخی ارزش‌ها، اصالت و انسجام محوطه‌ی تاریخی آن طور که در دوره‌های تاریخی‌اش توسعه یافته‌اند، است. بنابراین "فرآیند حفاظت باید طرح شهری، ابعاد و تراکم، ارتفاع، رنگ و مصالح بناها [ی تاریخی] را حفظ کند." و "نباید آن‌ها را به گونه‌ای یخ‌زده در زمان، نگه داشت. توسعه و تغییرات در این مکان‌ها باید به گونه‌ای مدیریت شود که

با این وجود در منشور اصول بررسی، حفاظت و مرمت ساختاری میراث معماری؛ منشور ایکوموس (۲۰۰۳) عنوان شده است که "ارزیابی ایمنی و درک اهمیت ساختار باید مبنای معیارهای حفاظت باشد." و در این مسیر باید توجه داشت که "ارزش میراث فرهنگی فقط در ظاهرش نیست بلکه در انسجام تمام اجزاء آن، همچون یک محصول بی‌همتا از فناوری ساخت ... زمان خود، نیز، هست." از این رو تا جایی که ممکن است "باید از حذف و تغییر ... مصالح یا ویژگی‌های معماری ... اجتناب کرده" و "مداخلات را به حداقل رساند تا ایمنی و دوام با کمترین آسیب به ارزش‌های میراث فرهنگی تضمین شوند." در این میان، "انتخاب میان فنون ساخت سنتی و نوآورانه باید به صورت موردی بررسی شود ... [ولی] روش‌هایی که کمترین تهاجم و بیشترین سازگاری را با ارزش‌های میراث دارند، در اولویت قرار داده شوند [۲۲]."

در منشور نیوزلند (۲۰۱۰) آمده است که "اولویت در طرح حفاظت، اصالت و انسجام مکان بوده [و] ... منجر به حداقل تخریب در آن شود." به همین دلیل است که "باید از حذف [بخش‌هایی از] بافت یا تغییر در ویژگی‌ها و ابعاد ... اجتناب کرد." (همان، بند ۶). توصیه منشور به استفاده از روش‌ها با حداقل درجه مداخله است، "تغییر و افزودن [ذیل انطباق] آن‌جایی می‌تواند مورد قبول باشد که برای کاربست سازگار از مکان لازم باشد. هر تغییری باید ... سازگار با فرم و بستر ... بوده و تضادهای نامناسب یا ناسازگار در فرم، مقیاس، حجم، رنگ و مصالح نداشته باشد. ... نباید بر شکل و بافت اصلی مسلط شود و باید مکمل فرم و بافت ... باشد [۲۳]."

در اصول والتا (۲۰۱۰) نیز آمده است که شهرها بیان‌گر سیر تکامل جامعه و هویت شهرند که بخشی از محیط هرروزه‌ی انسان‌اند و حمایت و همبستگی‌شان با جامعه‌ی معاصر باید مبنای طراحی شهری و توسعه‌ی اراضی قرار گیرد. ولی علاوه بر ضرورت توجه به میراث با زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زمان حال، باید به مراقبت از ارزش‌های تاریخی نیز توجه شود. بر این اساس، این سند تذکر می‌دهد که تغییرات

بتوانند با نیازهای زندگی مدرن سازگار شوند و در عین حال فرهنگ سنتی خود را حفظ کرده و به آن اجازه‌ی تکامل دهند [۲۶].

اسناد منتشر شده از سوی سازمان یونسکو

توصیه‌نامه‌ی حراست از زیبایی و شخصیت مناظر و سایت‌های تاریخی (۱۹۶۲) اولین سندی است که در این مورد از سوی سازمان یونسکو تدوین شده است. در این سند آمده است که چشم‌اندازها و محوطه‌های تاریخی "توان ... فیزیکی، اخلاقی و روحی [گذشتگان] را بازنمود می‌کنند درحالی که هم‌زمان بخشی از زندگانی ... فرهنگی مردم [امروز] هم ... هستند". در بند ۷ الف توصیه‌نامه آمده است که " [هرچند] ساخت هرگونه بنای عمومی و خصوصی [به بافت تاریخی آسیب می‌زند] این بناها باید طوری طراحی شوند که الزامات زیباشناختی خاصی را ... تأمین کنند، ... درحالی که [در طرح آن‌ها] باید از تقلید سطحی فرم‌های سنتی و بدیع خودداری شود؛ [طرح بنا] باید در هماهنگی با جو کلی که مورد حفاظت است، باشد [۲۷].

در توصیه‌نامه‌ی حفاظت از ثروت فرهنگی در معرض خطر از سوی مداخلات [بخش] عمومی و خصوصی (۱۹۶۸) آمده است که " ... بافت‌های تاریخی در مناطق ... شهری و روستایی " ثروت فرهنگی شمرده می‌شوند که "حاصل ... سنت‌های مختلف و دستاوردهای معنوی دوران گذشته‌اند". بنابراین، هرگونه مداخله در بافت تاریخی بهتر است با توجه توأمان به الزامات توسعه و درک ثروت فرهنگی انجام گیرد. به همین دلیل، در این توصیه‌نامه آمده است که "تدوین معیارهایی برای حفاظت از ثروت فرهنگی در برابر اثرات اقدامات بخش خصوصی و عمومی ضروری است و ... این معیارها بر اساس ویژگی، ابعاد و موقعیت ثروت فرهنگی و ماهیت خطراتی که با آن مواجه است متفاوت و باید پیشگیرانه و اصلاحی باشند". و اولویت را باید به حفاظت از یکپارچگی و تداوم داد [۲۸].

در توصیه‌نامه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در سطوح ملی با تأکید بر این‌که " میراث فرهنگی ... باید در تمامیت خود همچون یک کل هماهنگ ... که اجزای آن از هم جداناپذیرند" در نظر گرفته شود که برای حفاظت از آن "مناسب است که ... به آن عملکردی فعال در زندگی جامعه داده شود". در این راستا، به ضرورت ادغام طرح حفاظت در طرح توسعه تأکید شده است. ولی، در این میان، باید توجه داشت که " اقداماتی [هم] باید اتخاذ شود که از میراث فرهنگی ... در برابر اثرات آسیب‌رسان احتمالی پیشرفت‌های فناوری، [به‌عنوان] مشخصه‌ی تمدن مدرن، حفاظت کرد". همچنین باید توجه داشت که هر اقدام صورت گرفته در میراث فرهنگی، از جمله بناهای جدید، " با هدف حفاظت از نمود سنتی آن و عدم آسیب به توده یا رنگ میان آن و محیط اطراف" و " بدون تخریب یا تغییر شکل یا تصرف" باشد؛ چراکه "هماهنگی ایجاد شده توسط زمان و انسان ... از بیشترین اهمیت برخوردار است و به عنوان یک قاعده‌ی کلی نباید مختل شده و از بین برود". [۲۹].

در مقدمه‌ی کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی (۱۹۷۵) نیز آمده است که حفاظت از ارزش باید اساس هر گونه سیاست‌گذاری حفاظت و راهبرد مدیریتی باشد و "در حالی که به روزرسانی و توسعه‌ی جامعه به روشی که متوجه جنبه‌های فرهنگی و تاریخی است حمایت از هویت و یکپارچگی اجتماعی هم [باید] مدنظر قرار گیرد". هدف از این کار "حمایت از بهبود کیفیت زندگی شهرهای تاریخی یا بهبود شرایط زندگی، اشتغال و تفریح و تطبیق کارکدها بدون بی‌توجهی به ارزش‌های برخاسته از کاراکتر و اهمیت بافت و فرم شهری است" [۳۰].

در تذکارنامه‌ی وین در مورد میراث جهانی و معماری معاصر- مدیریت منظر شهری تاریخی- (۲۰۰۵) که تنها یادداشت یونسکو با تمرکز بر معماری معاصر است، منظور از توسعه‌ی معاصر هرگونه مداخله در زمینه‌ی تاریخی شامل فضاهای باز، ساختارهای جدید، الحاقات یا توسعه‌ی بناها و

محوطه‌های تاریخی می‌باشد. تذکارنامه در بند ۱۳ در توجیه این توسعه‌ها چنین استدلال می‌کند که تغییرات مداوم در ویژگی‌های عملکردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بافت از مداخلات ساختاری است که باید به عنوان بخشی از سنت شهر دانسته شود. چالش اصلی در مورد توسعه‌ی معاصر در منظر شهری تاریخی ارائه‌ی پاسخی است که هم‌زمان که متوجه فرآیند توسعه با هدف تسهیل تغییرات اجتماعی-اقتصادی و پیشرفت است، متوجه ضرورت احترام به منظر شهری به ارث رسیده هم هست. در این میان نیز، باید توجه شود که "از هرگونه طرح‌های شبه‌تاریخی اجتناب شود و از طرف دیگر،" توجه کافی به مقیاس موجود به‌ویژه در ارجاع به حجم و ارتفاع بناها شود "تا" آثار مستقیم را بر ویژگی‌های مهم تاریخی... به حداقل برساند." و در نهایت چنین جمع‌بندی می‌کند که "به عنوان یک اصل کلی، طرح [جدید] ... باید متناسب با ... الگوها و معماری تاریخی باشد ... [و] باید دقت شود که توسعه‌ی معاصر در شهرهای میراث جهانی مکمل ارزش‌های منظر شهری تاریخی بوده و حدود آن محدود به ممانعت از به خطر افتادن ماهیت تاریخی شهر باشد" [۳۱].

توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی (۲۰۱۱) هم فرض را بر شکل‌گیری میراث فرهنگی از سوی نسل‌ها نهاده که در میان‌شان شرایط زندگی نسل حاضر متفاوت است؛ " ... [به همین دلیل، اکنون،] شهرها در معرض فشار و چالش‌های توسعه هستند ... تا نیازهای در حال تکامل و خواسته‌های مردم را پاسخ دهند." هر چند که این توسعه‌های سریع و کنترل‌نشده به میراث شهری، "حس مکان و انسجام بافت تاریخی و هویت جوامع آسیب می‌رساند و [موجب] .. از دست رفتن عملکرد، نقش سنتی و جمعیت این مناطق می‌شود"، اصل حفاظت فعال (active Production) از میراث شهری و مدیریت پایدار آن، توسعه است که می‌تواند کیفیت زندگی و شاخصه‌های سنتی محدوده‌های شهری را ارتقاء دهد. در واقع، در این سند، صحبت از رویکردی است که " ... ریشه در ارتباطی متعادل و پایدار میان ... نیازهای

نسل حال و آینده و میراث نسل‌های گذشته دارد. " و ابزارهایی برای مدیریت تغییر شکل‌های کالبدی و اجتماعی و تضمین مداخلات معاصر فراهم می‌کند که در هماهنگی با بستر و زمینه‌ی تاریخی در نظر گرفته شده‌اند [۳۲].

این رویکرد در دو نوشتار زندگی جدید برای شهر تاریخی: رویکرد منظر شهری تاریخی (۲۰۱۳) و کتاب راهنمای منظر شهری تاریخی: مدیریت میراث محیط‌های شهری پویا و دائماً در حال تغییر (۲۰۱۶) نیز مورد توجه بیشتر قرار گرفته است. در نوشتار اول آمده است که نکته‌ی کلیدی در درک و مدیریت هر محیط شهری تاریخی فهم این است که منظر تاریخی نتیجه‌ی لایه‌های ارزش‌های فرهنگی و طبیعی در طول زمان است. بنابراین ورای مفهوم مرکز تاریخی است. در این نوشتار، همچنین، تأکید می‌شود که شهر یک یادمان یا گروهی از بناهای بدون تغییر نیست، بلکه در معرض نیروهای پویای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که به آن شکل داده و به شکل دادن به آن ادامه می‌دهد. این باور مدافع این اندیشه است که زمینه‌ی تاریخی و توسعه‌های جدید می‌توانند در ارتباط با هم باشند و نقش و معنای یکدیگر را تحت اثر خود قرار دهند [۳۳]. در نوشتار دوم نیز، رویکرد منظر شهری تاریخی، نشان‌گر مدیریت همه‌شمول میراث در محیط‌های پویا و پیوسته در حال تغییر است و مدیریت تغییر را هدف‌گذاری کرده است. بر اساس این رویکرد، ارزش‌ها باید به مثابه‌ی نقطه‌ی عزیمت در نظر گرفته شود. در این راستا، رویکرد منظر شهری تاریخی، مبنایی برای ادغام حفاظت شهری در چارچوب توسعه‌ی پایدار به کمک کاربست گستره‌ای از ابزارهای سنتی و نو است که با زمینه‌ی محلی همگام‌اند و در تعیین اجزای پیچیده و شکل‌دهنده به حس مکان و هویت کمک کننده است [۳۴].

این رویکرد، همچنین، در آخرین زندگی با میراث جهانی: استفاده مجدد تطبیقی و بازآفرینی در مناطق اروپا-خاورمیانه (۲۰۲۱) چنین تعریف شده است که هدف آن تجمیع اهداف حفاظت میراث شهری و اهداف توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی است و میراث شهری را به عنوان سرمایه‌ی

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای توسعه‌ی شهرها در نظر می‌گیرد و بدین طریق، به ورای حفاظت از محیط کالبدی رفته و متمرکز بر کلیت محیط انسان با تمام جنبه‌های محسوس و نامحسوس آن است [۳۵].

اسناد منتشر شده از سوی سایر سازمان‌ها

به جزء این دو سازمان، سازمان کنگره‌ی بین‌المللی معماران مدرن (سیام) و شورای اروپا نیز اسنادی در ارتباط با این موضوع تدوین کردند؛ منشور آتن (۱۹۳۳)، منشور اروپائیان در مورد میراث معماری (۱۹۷۵) و معاهده‌ی حفاظت از میراث معماری اروپا (۱۹۸۵). در منشور آتن تغییر به نحوی مفید، و همچنین افزودن بنایی معاصر جزء روش‌های حفاظت معرفی شده‌اند؛ با این شرط که در طرح آن از سبک‌های تاریخی تقلید نشود. در بند ۷۰ منشور آمده است که "به کار بردن سبک‌های گذشته در ساختمان جدید واقع در محوطه‌های تاریخی به اتکای ادعای زیباشناسانه به عواقب نامیمونی منجر می‌شود. ... کاربست سبک‌های گذشته با آموزه‌ی بزرگ تاریخ مغایرت دارد؛ هیچ‌گاه بازگشت به گذشته به وقوع نپیوسته و هیچ‌گاه انسان راهی را که رفته بازنگشته است. شاهکارهای گذشته به ما نشان می‌دهند که چگونه هر نسلی طریقه‌ی ویژه‌ی تفکر خود، اندیشه‌ی خود و زیباشناسی خود را داشته است و به مثابه‌ی انگیزه‌ای برای خلاقیت آزاد به مجموعه‌ی منابع فنی ویژه‌ی دوره‌ی خود توجه کرده است. تقلید عاجزانه گذشته، تن دادن به دروغ بوده و به معنای بالا بردن "بدل" تا به حد "اصل" است؛ چون هیچ‌گاه نمی‌توان شرایط کهن کار را تجدید کرد. با به کار بستن فن جدید بر آرمانی که امروزه پشت سر گذاشته شده، به چیزی جزء ادعایی خالی از هرگونه زندگی و تحرک نمی‌توان رسید. با کپی کردن "بدل" با "اصل" و با سعی در

میسر داشتن احساس خلوص سبکی نمی‌توان به وحدت دست یافت [۳۶-۳۷].

منشور اروپائیان در مورد میراث معماری (۱۹۷۵) آمده است که "... آینده‌ی میراث معماری به طور قابل ملاحظه‌ای وابسته به انسجام آن با زندگی مردم و جایگاهی است که به آن در منطقه، طراحی شهری و توسعه می‌دهند." بر این اساس در این منشور به مفهوم حفاظت یکپارچه تأکید شده است. هرچند که در این منشور باور بر این است که تخریبی که همراه با فرآیندهای توسعه، حتی اگر آنچه که جایگزین می‌شود خوب باشد، است "... ما را فقیرتر می‌کند و ... ضرر آن را [به هیچ وجه] نمی‌توان جبران کرد." با این وجود، افزودن بنایی مدرن در بافت تاریخی به عنوان یک روش در چارچوب حفاظت یکپارچه مطرح است؛ "مشروط بر این که بافت، تناسبات، فرم‌ها، اندازه‌ها و مقیاس موجود کاملاً رعایت شده و از مصالح سنتی [در ساخت آن] استفاده شود [۳۸].

معاهده‌ی حفاظت از میراث معماری اروپا نیز بر ضرورت حمایت از یادمان‌ها، مجموعه بناها و سایت‌های تاریخی اشاره دارد و در این راستا به اجتناب از هرگونه تغییر شکل، فرسوده کردن و تخریب مشخصه‌های مورد حمایت تأکید دارد. در این میان هر چند بناهای جدید و تغییرات محتوایی سازگار با کاراکتر بافت را اثرگذار بر شمای آن می‌داند ولی به لزوم بهبود محیط، کاربست آن در زندگی معاصر و تطبیق آن با نیازهای جدید نیز توجه دارد. همچنین به روش‌های حمایت از خلاقیت معمارانه به عنوان دست‌آورد عصر حاضر توصیه می‌کند [۳۹].

یافته‌های پژوهش

موضوع‌گیری مطرح در اسناد بررسی شده به تفکیک در سه سطح نگرش، رهیافت و روش توصیه شده در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲- موضع سازمان‌های بین‌المللی در مورد طراحی ساختارهای جدید در بافت تاریخی (منبع: نگارندگان).

نام سند	سازمان	سال انتشار	مقادیر سند
منشور ونیز	ایکوموس	۱۹۶۴	نگرش و رهیافت تاریخی بودن شرط حفاظت از بنا، تسهیل کاربست از بافت با ایجاد شرایط
			روش اجتناب از تغییر در طرح کلی و تزئینات، روابط احجام و رنگ، عدم انحراف تمرکز از بافت تاریخی، تعادل در ترکیب‌بندی، هماهنگی با بافت ولی در تمایز از آن
سمپوزیوم بین‌المللی معرفی معماری معاصر در میان گروه بناهای تاریخی		۱۹۷۲	نگرش و رهیافت ایفای نقش موضوع حفاظت در زندگی معاصر، توسعه‌ی مداوم
			روش توجه به شمای طرح شهر، تناسب از طریق تبعیت از توده، مقیاس، ریتم و ویژگی‌های بارز، اجتناب از تقلید
بیانیه‌ی آمستردام		۱۹۷۵	نگرش و رهیافت اولویت ترویج توان‌بخشی بر توسعه‌ی پایدار
			روش کیفیت بالا بنای معاصر به عنوان میراث حال برای آینده، ضرورت انسجام بنای معاصر و بافت تاریخی، استفاده از مصالح و فنون ساخت سنتی
توصیه‌نامه‌ی حراست و نقش امروز محوطه‌های تاریخی		۱۹۷۶	نگرش و رهیافت همگامی میراث معماری با زندگی مدرن و جامعه‌ی معاصر، عملکرد داشتن در زندگی هر روزه، عدم امکان ساخت معماری معاصر به هر شکل در بافت تاریخی
			روش هماهنگی با سازمان فضایی، هماهنگی با ویژگی‌های غالب بافت تاریخی چون ارتفاع، رنگ مصالح و ویژگی‌های تکرار شونده در نما و بام، رابطه‌ی بین حجم بنا و فضا، تناسب و موقعیت قرارگیری
بیانیه‌ی تلاکسکالا		۱۹۸۲	نگرش و رهیافت امکان طرح معماری معاصر در سکونتگاه‌ها
			روش استفاده از فنون و مصالح ساخت سنتی در صورت نبود جایگزین‌هایی که آسیب‌رسان به جلوه‌ی بصری بافت نباشند، پذیرش هر گونه ابداع در صورت کمک به احیای بافت تاریخی، مردم‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی و با توجه به آن‌ها
منشور آپلتون		۱۹۸۳	نگرش و رهیافت توجه به بهبود و افزودن بدن حذف، تثبیت و نگهداری
			روش امکان طرح کاربری‌های جدید و بالتبع مواد و کارهای تکمیلی، انعکاس ایده‌ی معاصر با احترام به بافت
منشور واشنگتن		۱۹۸۷	نگرش و رهیافت -
			روش حفاظت از کاراکتر بافت به کمک رعایت الگوهای معابر و پارکینگ‌ها، روابط میان فضاهای باز و بسته، مقیاس، ابعاد، سبک، فن‌ساخت، مصالح، رنگ و تزئینات، ارتباط شهر و طبیعت و تعریف عملکردهای مختلف در بافت، توجه به ویژگی‌های عصر معاصر در هماهنگی با بافت.
بیانیه‌ی سن‌آنتونیو		۱۹۹۶	نگرش و رهیافت انطباق دائمی بافت با نیازهای انسانی که موجب تکامل سنت‌هاست؛ چرا که برای پاسخ به نیازها، سنت‌ها تکامل می‌یابند.
			روش مداخله‌ی معاصر به دور از تغییر در کاراکتر بافت، جوهره و تعادل آن، در هماهنگی با شخصیت کل
منشور میراث بومی ساخته شده		۱۹۹۹	نگرش و رهیافت میراث حاصل فرآیند دنباله دار ایجاد تغییر و تطبیق‌های مداوم در طول زمان
			روش احترام به بستر، در ارتباط با منظر فرهنگی و کالبدی، در تداوم با بیان، ظاهر و فرم بافت
منشور بین‌المللی گردشگری فرهنگی		۱۹۹۹	روش اولویت سبک معماری محلی و سنت‌های بومی بر سبک‌های معاصر
منشور کراکو		۲۰۰۰	نگرش و رهیافت همگامی حفاظت با شرایط در حال تغییر، توجه به بافت به عنوان بخشی از شهر
منشور اصول بررسی، حفاظت و مرمت ساختاری میراث معماری		۲۰۰۳	روش سازگاری با فضا، ارزش‌ها و ساختار بافت تاریخی، احترام به عملکرد اصلی
			نگرش و رهیافت اولویت اهداف مربوط به ایمنی، اجتناب از تغییر و حذف مصالح یا ویژگی‌های معماری
منشور بورا		۲۰۱۳	روش کمترین تهاجم و بیشترین سازگاری
			نگرش و رهیافت لرزم مراقبت از بافت و قابل استفاده کردن آن، تحدید تغییرات
منشور نیولند		۲۰۱۰	نگرش و رهیافت احترام به بافت، کارکرد، ارتباطات موجود میان مردم و مکان و معانی، عدم تحریف شواهد کالبدی، ارجحیت فنون و مصالح سنتی، عدم غلبه‌ی بنای معاصر بر بافت، حداقل تأثیر بنای معاصر بر موقعیت مکانی، حجم، فرم، مقیاس، کاراکتر، رنگ، بافت و مصالح، اجتناب از تقلید، ضرورت تمایز بنای معاصر از بافت و تحدید هر گونه کاهش
			روش اولویت حفاظت اصالت و انسجام، اجتناب از تغییر و حذف
			سازگار با بافت، عدم تضاد ناسازگار با فرم، مقیاس، حجم، رنگ و مصالح، عدم بازتولید و تقلید، عدم تسلط بر بافت

ادامه جدول شماره ۲				
نام سند	سازمان	سال انتشار	مفاد سند	
اصول و آلتا	یونسکو	۲۰۱۰	نگرش و رهیافت	میراث اندوخته‌ای مهم و بخشی از اکوسیستم شهر
			روش	احترام و ارجاع به ارزش‌های ملموس و ناملموس، اجتناب از تغییرات بزرگ، کاستن تغییرات به حداقل
اصول حفاظت از سایت‌های تاریخی در چین		۲۰۱۵	نگرش و رهیافت	مدیریت توسعه و تغییر به منظور انطباق با نیازهای زندگی مدرن، ضرورت حفظ فرهنگ سنتی و تکامل آن
			روش	حفاظت از ابعاد، تراکم، ارتفاع، رنگ و مصالح، اجتناب از فریز کردن، احترام به بافت، پیشنهاد کارکردهای جدید و سازگار با ویژگی‌های بافت
توصیه‌نامه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در سطوح ملی	سیام	۱۹۷۲	نگرش و رهیافت	ضرورت عملکرد فعال بافت در زندگی جامعه، ضرورت ادغام توسعه و حفاظت
			روش	ضرورت حفاظت از نمود سنتی و عدم آسیب به توده یا رنگ آن، اجتناب از اختلال در هماهنگی بافت
کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی		۱۹۷۵	نگرش و رهیافت	توجه به بهبود کیفیت زندگی، شرایط زیست، اشتغال و تفریح در بافت تاریخی
منشور وین		۲۰۰۵	نگرش و رهیافت	مداخلات ساختاری برای تغییر مداوم در ویژگی‌های عملکردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ضرورت توجه به هم‌زیستی انسان و شهر، تسهیل تغییرات اجتماعی-اقتصادی
	شورای اروپا		روش	احترام به بافت تاریخی، اجتناب از طرح‌های شبه‌تاریخی، توجه به مقیاس، حجم و ارتفاع، تحدید اثر مستقیم بنای معاصر بر ویژگی‌های مهم بافت، تناسب با الگوهای معماری بافت
منظر شهری تاریخی		۲۰۱۳	نگرش و رهیافت	محیط تاریخی نتیجه‌ی لایه‌های فرهنگی و طبیعی در طول زمان، در معرض نیروهای پویای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
کتاب راهنمای منظر شهری تاریخی		۲۰۱۶	نگرش و رهیافت	میراث در حال تغییر مداوم، مدیریت تغییر
استفاده مجدد تطبیقی و بازآفرینی در مناطق اروپا-خاورمیانه		۲۰۲۱	نگرش و رهیافت	رفتن به ورای حفاظت کالبدی و توجه بر کلیت محیط انسان
منشور آن	شورای اروپا	۱۹۳۳	نگرش و رهیافت	ارجحیت فاخر بودن بر تاریخی بودن
			روش	عدم تقلید از سبک‌های تاریخی، عدم امکان دستیابی به وحدت با تقلید، به روزکردن تکنیک‌های ساخت
منشور اروپائیان در مورد میراث معماری	شورای اروپا	۱۹۷۵	نگرش و رهیافت	وابستگی میراث معماری به انسجام آن با زندگی مردم، توسعه بدون تخریب
			روش	رعایت ویژگی‌های بافت، تناسب، فرم‌ها، اندازه‌ها و مقیاس موجود، استفاده از مصالح سنتی
معااهده‌ی حفاظت از میراث معماری اروپا		۱۹۸۵	نگرش و رهیافت	ضرورت حفاظت از میراث معماری و اجتناب از هرگونه تغییر، لزوم بهبود محیط و کاربری آن در زندگی معاصر
			روش	کاربست و توجه به فناوری‌های نوین و روش‌های خلاقانه

به جهت تلخیص موارد یادشده در سطح نگرش، به نمایندگی از مضمون همگامی بافت تاریخی با زندگی معاصر، عملکرد فعال در زندگی جامعه، هم‌زیستی انسان و شهر، مفهوم بافت شهری انگاری بافت تاریخی یا بافت تاریخی به مثابه‌ی بافت شهری قابل جایگزینی است. از سوی دیگر، مفهوم سندانگاری بافت تاریخی یا بافت تاریخی به مثابه‌ی یک سند تاریخی به نمایندگی از مضمون نگاه به بافت به عنوان یک شاهد تاریخی و میراث به ارث رسیده است؛ این جایگزینی از این جهت پیشنهاد می‌شود که در این نگرش، به بافت تاریخی چون میراثی از دوره یا دوره‌های تاریخی نگاه

می‌شود، میراثی که با تجسم ویژگی‌های این دوره یا دوره‌ها حاوی اطلاعاتی است که به ما رسیده و باید به آیندگان منتقل شود. این زاویه‌ی نگاه به بافت بسیار مشابه زاویه‌ی نگاه به یک سند تاریخی است که حاوی اطلاعات تاریخی بوده و هر گونه مداخله در آن، خدشه زدن به سندیت و قابلیت استناد آن دانسته می‌شود. در سطح راهبرد اجتناب از تغییر به نمایندگی مفاهیم الزام یا ضرورت نگهداشت بافت تاریخی به همان شکل که هست، به کار برده می‌شود و ضرورت تغییر (معاصرسازی) کد معادل مفاهیم به‌روزرسانی، همگامی بافت تاریخی با الزامات زندگی معاصر، انسجام با زندگی مردم،

انعکاس ویژگی‌های معاصر، هم‌زیستی انسان و شهر، میراثی پیوسته در حال تکامل و شکل‌گیری و وجودی پویا است. مدیریت تغییر نیز مضمون ایجاد تغییر به منظور هم‌گامی با زندگی معاصر بدون ایجاد تغییر در ویژگی‌های بافت تاریخی را نمایندگی می‌کند. منظور از کل‌گرایی نیز، گرایش به کاربست الگوها و ویژگی‌های بافت تاریخی به مثابه‌ی یک کل در طرح معماری معاصر به مثابه‌ی جزء است. در سطح روش نیز، مفهوم هماهنگی تمامی مضامین مشابه؛ تناسب،

انسجام، تداوم، یکپارچگی، سازگاری، احترام و پیروی را و همانندی با بافت تاریخی، مضمون طرح بنای در هماهنگی حداکثری؛ شباهت، با بناهای سنتی و تاریخی را نمایندگی می‌کند. از جانب دیگر، مفهوم نوآوری در ارجاع به مفاهیم ابداع و خلاقیت به کار برده می‌شود که نوع مشروط آن بسته به بافتار رویکرد به سنت‌های معماری و شهرسازی یا به سازگاری با ویژگی‌های بافت تاریخی اشاره دارد (جدول ۳).

جدول ۳- کدگذاری موضع سازمان‌های بین‌المللی در مورد طراحی ساختارهای جدید در بافت تاریخی (منبع: نگارندگان).

نام سند	سازمان	سال انتشار	کد مفاد سند	راهبرد غالب حفاظت شهری (بر اساس [۴۰])
توصیه‌نامه‌ی حراست از زیبایی و شخصیت مناظر و سایت‌های تاریخی و منشور ونیز	ایکوموس	۱۹۶۲	نگرش	تجدید
			رهیافت	
			روش	
		۱۹۶۴	نگرش	
			رهیافت	
			روش	
	سمپوزیسم بین‌المللی معرفی معماری معاصر در میان گروه بناهای تاریخی	۱۹۷۲	نگرش	تجدید
			رهیافت	
		۱۹۷۵	نگرش	
			رهیافت	
			روش	
			روش	
		۱۹۷۶	نگرش	
			رهیافت	
			روش	
			روش	
		۱۹۸۲	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۸۳	نگرش	
			رهیافت	
توصیه‌نامه‌ی حراست و نقش امروز محوطه‌های تاریخی	ایکوموس	۱۹۸۲	نگرش	تجدید
			رهیافت	
		۱۹۸۳	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۸۷	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۶	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۹	نگرش	
			رهیافت	
بیانیه‌ی تلاکس‌کالا ^۲	ایکوموس	۱۹۸۲	نگرش	تجدید
			رهیافت	
		۱۹۸۳	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۸۷	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۶	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۹	نگرش	
			رهیافت	
منشور آپلتون	ایکوموس	۱۹۸۲	نگرش	تجدید
			رهیافت	
		۱۹۸۳	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۸۷	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۶	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۹	نگرش	
			رهیافت	
منشور واشنگتن	ایکوموس	۱۹۸۲	نگرش	تجدید
			رهیافت	
		۱۹۸۳	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۸۷	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۶	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۹	نگرش	
			رهیافت	
بیانیه‌ی سن آنتونیو*	ایکوموس	۱۹۸۲	نگرش	تجدید
			رهیافت	
		۱۹۸۳	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۸۷	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۶	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۹	نگرش	
			رهیافت	
منشور میراث بومی ساخته شده	ایکوموس	۱۹۸۲	نگرش	تجدید
			رهیافت	
		۱۹۸۳	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۸۷	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۶	نگرش	
			رهیافت	
		۱۹۹۹	نگرش	
			رهیافت	

* نشان * برای اشاره به طرح نظریه بر مبنای سنت‌گرایی است.

ادامه جدول شماره ۲								
نام سند	سازمان	سال انتشار	کد مفاد سند	راہبرد غالب حفاظت شهری (بر اساس [۴۰])				
منشور بین‌المللی گردشگری فرهنگی		۱۹۹۹	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ	بازآفرینی پایدار			
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	ہماہنگی با بافت تاریخی، اولویت کاربست مصالح و فنون سنتی				
		۲۰۰۰	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ				
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	ہماہنگی با بافت تاریخی، نوآوری مشروط				
		۲۰۰۳	نگرش	اولویت سندانگاری بر بافت‌شہری‌انگاری				
			رہیافت	ارجحیت اجتناب از تغییر بر تغییر (معاصرسازی)، کل‌گرایی				
			روش	ہمانندی				
		۲۰۱۰	نگرش	(تعمیم از رویکرد) اولویت سندانگاری بر بافت‌شہری‌انگاری				
			رہیافت	ارجحیت اجتناب از تغییر بر تغییر (معاصرسازی)، کل‌گرایی				
			روش	ہمانندی				
منشور اصول بررسی، حفاظت و مرمت ساختاری میراث معماری		۲۰۱۳	نگرش	اولویت سندانگاری بر بافت‌شہری‌انگاری	بازآفرینی پایدار			
			رہیافت	ارجحیت اجتناب از تغییر بر تغییر (معاصرسازی)، کل‌گرایی				
			روش	ہمانندی				
		۲۰۱۰	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ				
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	ہماہنگی با بافت تاریخی، اجتناب از تقلید				
		۲۰۱۵	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ				
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	ہماہنگی با بافت تاریخی، تمایز بدون غلبہ				
		۱۹۶۸	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ		بازسازی		
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	ہماہنگی با بافت تاریخی، اجتناب از تقلید				
توصیہ‌نامہ‌ی حفاظت از ثروت فرهنگی در معرض خطر از سوی مداخلات بخش عمومی و خصوصی	یونسکو	۱۹۷۲	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ	نوسازی			
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	ہماہنگی با بافت تاریخی، اجتناب از تقلید				
		۱۹۷۵	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ				
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	ہماہنگی با بافت تاریخی				
۲۰۰۵	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ	بازآفرینی اولیه					
	رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی						
	روش	ہماہنگی با بافت تاریخی، اجتناب از تقلید، نوآوری مشروط						
منظر شہری تاریخی		۲۰۱۳	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ	بازآفرینی پایدار			
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	ہماہنگی با بافت تاریخی				
		۲۰۱۶	نگرش	(بہ تعمیم رویکرد) سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ				
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	-				
		۲۰۲۱	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ				
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				
			روش	ہماہنگی با بافت تاریخی				
		کتاب راهنمای منظر شہری تاریخی		۱۹۳۳		نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ	-
						رہیافت	ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر	
						روش	اجتناب از تقلید، نوآوری	
منشور اروپائیان در مورد میراث معماری	شورای اروپا	۱۹۷۵	نگرش	سندانگارانہ و بافت‌شہری‌انگارانہ	نوسازی			
			رہیافت	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی				

بازآفرینی اولیه	اولویت استفاده از مصالح و فنون سنتی، هماهنگی با بافت تاریخی	روش	۱۹۸۵	معاهده‌ی حفاظت از میراث معماری اروپا
	(به تعمیم رویکرد) سندانگاران و بافت‌شهری‌انگاران	نگرش		
	اجتناب از تغییر و ضرورت تغییر (معاصرسازی)؛ مدیریت تغییر، کل‌گرایی	رهیافت		
	هماهنگی با بافت، نوآوری مشروط	روش		

اجتناب از تقلید مطرح شده است. در این میان در چهار سند به نوآوری در معنای امروزی آن و در سه سند به تمایز بدون غلبه اشاره شده است (جدول ۵ و نمودار ۴ و ۵). بررسی رابطه‌ی میان اجزای رویکرد طراحی هم، نشان می‌دهد که میان نگرش، ره یافت و روش رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، اتخاذ یک نگرش، ره یافت و روش طراحی مشخص بر هم اثرگذار و از هم اثرپذیرند. بر این اساس است که، تمامی اسنادی که قائل به اولویت سندانگاری بر بافت‌شهری‌انگاری‌اند، به ضرورت اجتناب از تغییر و همانندی توصیه کرده‌اند. از جانب دیگر، تمامی اسنادی که به سندانگاری و بافت‌شهری‌انگاری قائل‌اند، به مدیریت تغییر با محوریت هماهنگی توصیه کرده‌اند که در دو مورد با تبعیت از معماری و شهرسازی سنتی بوده است (نمودار ۶-۸).

کمی‌سازی کدهای حاصل نیز نشان می‌دهد که رویکردهای طراحی مطرح بیشتر از جانب سازمان‌های ایکوموس و یونسکو تدوین شده است (جدول ۴). در تمامی سازمان‌ها، نگرش غالب در طول این مدت، سندانگاری و بافت‌شهری‌انگاری است و تنها در پنج سند به اولویت سندانگاری بر بافت‌شهری‌انگاری اشاره شده است. ره یافت غالب، نیز، مدیریت تغییر و کل‌گرایی است و توصیه به اجتناب از تغییر در پنج سند مطرح شده است (جدول ۵ نمودار ۲ و ۳). در سطح روش، نیز، توصیه به هماهنگی و بعد از آن توصیه به همانندی، توصیه‌ی غالب سازمان ایکوموس است. هماهنگی روش غالب توصیه شده در اسناد یونسکو و سایر سازمان‌ها نیز هست. بنابراین در حالت کلی، سازمان‌های بین‌المللی در مورد طراحی در بافت تاریخی به هماهنگی توصیه کرده‌اند که در اکثر موارد در کنار ضرورت

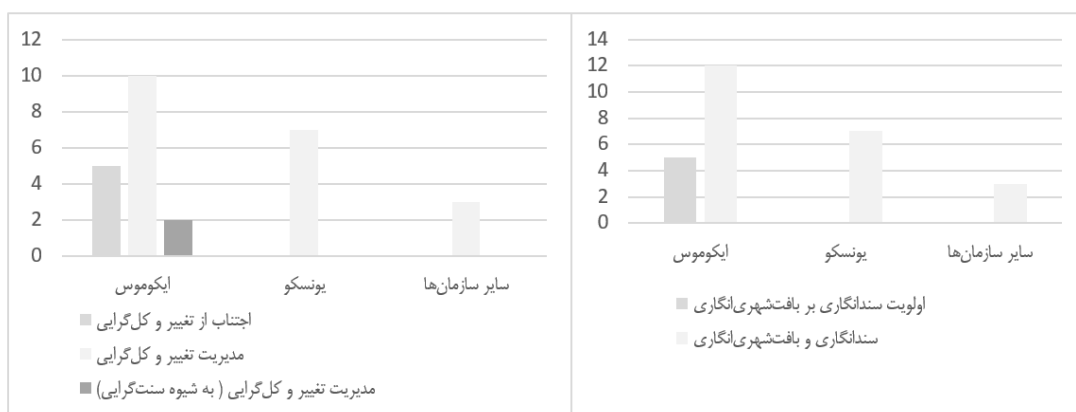
جدول ۴- جدول فراوانی اسناد معطوف به طراحی در بافت تاریخی به تفکیک سازمان (منبع: نگارندگان).

فرآوانی تجمعی	درصد	فراوانی	نام سازمان
۶۳٪	۶۳٪	۱۷	ایکوموس
۸۸/۹٪	۲۵/۹٪	۷	یونسکو
۱۰۰٪	۱۱/۱٪	۳	سایر سازمان‌ها
	۱۰۰٪	۲۷	

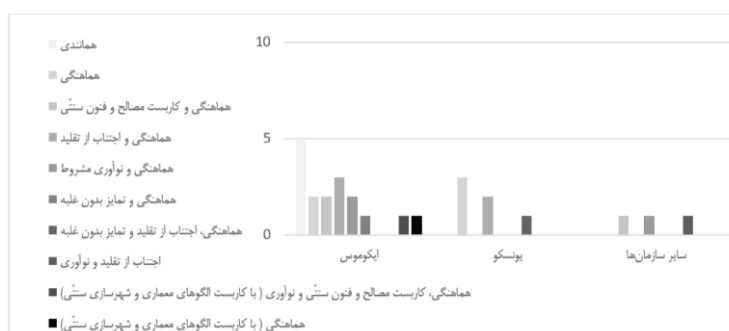
جدول ۵- جدول فراوانی نگرش، ره یافت و روش طراحی در اسناد سازمان‌های بین‌المللی (منبع: نگارندگان).

نگرش			
فرآوانی تجمعی	درصد	فراوانی	نگرش مطرح
۱۸/۵٪	۱۸/۵٪	۵	اولویت سندانگاری بر بافت‌شهری‌انگاری
۱۰۰٪	۸۱/۵٪	۲۲	سدانگاری و بافت‌شهری‌انگاری
ره یافت طراحی			
فرآوانی تجمعی	درصد	فراوانی	ره یافت مطرح
۱۸/۵٪	۱۸/۵٪	۵	اجتناب از تغییر و کل‌گرایی

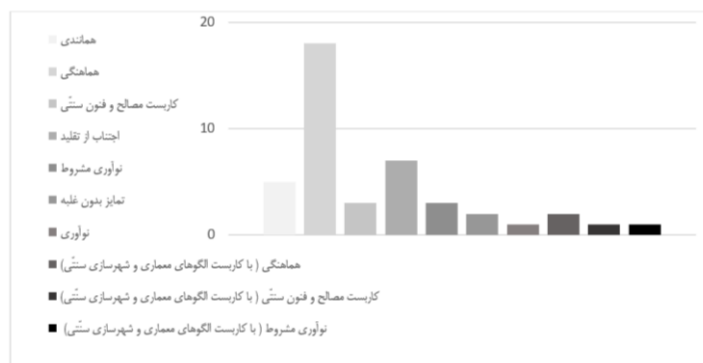
مدیریت تغییر و کل‌گرایی	۲۰	٪ ۷۴/۱	٪ ۹۲/۶
مدیریت تغییر و کل‌گرایی (به شیوه کاربست الگوهای معماری و شهرسازی سنتی)	۲	٪ ۷/۴	٪ ۱۰۰
روش طراحی			
روش مطرح	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
عدم پیشنهاد روش	۱	٪ ۳/۷	٪ ۳/۷
هماندی	۵	٪ ۱۸/۵	٪ ۲۲/۲
هماهنگی (با کاربست الگوهای معماری و شهرسازی سنتی)	۱	٪ ۳/۷	٪ ۲۵/۹
هماهنگی	۵	٪ ۱۸/۵	٪ ۴۴/۴
هماهنگی و کاربست مصالح و فنون سنتی	۳	٪ ۱۱/۱	٪ ۵۵/۶
هماهنگی و اجتناب از تقلید	۶	٪ ۲۲/۲	٪ ۷۷/۸
هماهنگی و نوآوری مشروط	۳	٪ ۱۱/۱	٪ ۸۸/۹
هماهنگی، اجتناب از تقلید و تمایز بدون غلبه	۱	٪ ۳/۷	٪ ۹۲/۶
اجتناب از تقلید و نوآوری	۱	٪ ۳/۷	٪ ۹۶/۳
هماهنگی، کاربست مصالح و فنون سنتی و نوآوری مشروط (با کاربست الگوهای معماری و شهرسازی سنتی)	۱	٪ ۳/۷	٪ ۱۰۰



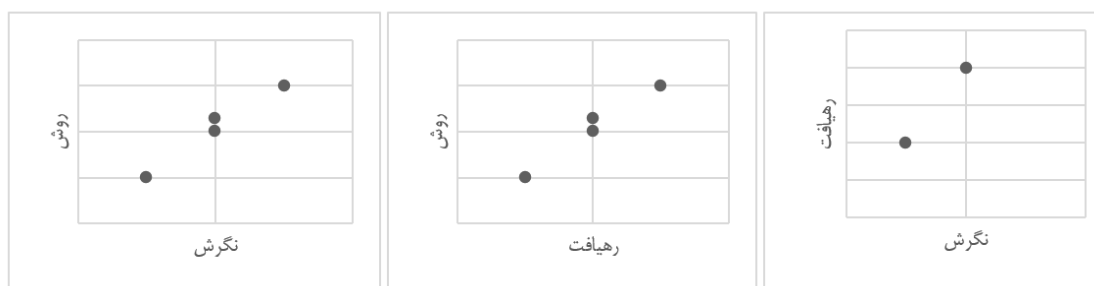
نمودار ۲ و ۳- فراوانی نگرش و رهیافت طراحی مطرح در اسناد به تفکیک سازمان‌های بین‌المللی (منبع: نگارندگان).



نمودار ۴- فراوانی روش طراحی مطرح در اسناد به تفکیک سازمان‌های بین‌المللی (منبع: نگارندگان).



نمودار ۵- فراوانی روش طراحی مطرح در اسناد سازمان‌های بین‌المللی (منبع: نگارندگان).



نمودار ۶-۸- نمودار پراکندگی نگرش، رهیافت و روش طراحی مطرح در اسناد سازمان‌های بین‌المللی (منبع: نگارندگان)

بحث

بافت را هم به مثابه‌ی سند و هم به مثابه‌ی بافت شهری در نظر گرفته‌اند ولی بر اساس رویکرد و روش پیشنهادی در آن‌ها به نظر می‌رسد که این نگرش در چارچوب سنت مطرح شده‌است. در این دو سند باور بر این است که شهر آرام و بطئی، در جریان زمان، تکامل و توسعه می‌یابد به بیان دقیق‌تر، از آن‌جا که سبک زندگی آرام تغییر می‌کند، تطبیق شهر با آن نیز همین‌گونه است. بر این اساس که این دو سند، در زمان رواج راهبرد بازآفرینی مطرح شده‌اند، به نظر می‌رسد آن را در آن شکل که در جهان سنت مطرح است، مبنا قرار داده‌اند. این درحالی است که شواهد نشان می‌دهد در دوره‌ی معاصر تغییرها سریع و شدید بوده‌اند و به همین دلیل است که تغییر در بافت به یک چالش در حفاظت از آن تبدیل شده است. این، همان دیدگاهی است که مبنای نگرش در باقی اسناد است. از میان این دسته اسناد، هم‌زمان با توصیه‌نامه حفاظت (۱۹۶۸) راهبرد بازسازی شهری مطرح بود که به نظر می‌رسد مبتنی بر تأثیر نگرش‌های علوم اجتماعی بر حفاظت شهری و عدم موفقیت راهبرد بازسازی که منجر به طرح نوسازی شد،

بررسی اسناد در سطح سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد در سطح نگرش، به‌استثنای منشور ونیز (۱۹۶۴) منشور واشنگتن (۱۹۸۷)، منشور اصول بررسی، حفاظت و مرمت ساختاری میراث معماری (۲۰۰۳) و منشور نیوزلند (۲۰۱۰) و منشور بورا (۲۰۱۳)، سایر اسناد، بافت تاریخی را هم به مثابه‌ی سند و هم به مثابه‌ی بافت شهری مد‌نظر دارند. این پنج سند قائل به اولویت سندنگاری بافت تاریخی بر بافت شهری‌نگاری آن هستند. با تکیه بر این‌که منشور ونیز در اواخر دوره‌ی غلبه‌ی راهبرد بازسازی شهری تدوین شده است، توجیه چنین نگرشی می‌تواند اتخاذ موضع مخالف در برابر نتایج این نظریه باشد. سایر اسناد نیز در زمان غلبه‌ی راهبرد بازآفرینی تدوین شده‌اند که منجر به تداوم توسعه و رویکردهای مبتنی بر مشارکت شده است. از این رو، به نظر نگارندگان، پاسخ‌گویی این اسناد به چالش‌های پروژه‌های حفاظت در بافت تاریخی منجر به چنین نگرشی شده است. از میان سایر اسناد، دو سند تالاکسکالا و سن‌آنتونیو هر چند

است که این نگرش پیشنهاد گردید. توصیه‌نامه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی (۱۹۷۲)، سمپوزیوم بین‌المللی معرفی معماری معاصر (۱۹۷۲)، کنوانسیون حفاظت از میراث (۱۹۷۵)، بیانیه‌ی آمستردام (۱۹۷۵) و توصیه‌نامه‌ی حراست (۱۹۷۶) نیز هم‌زمان با راهبرد نوسازی و باقی‌اسناد نیز هم‌زمان با راهبرد بازآفرینی مطرح شدند.

در سطح رهیافت، منشور ونیز، منشور واشنگتن، منشور اصول بررسی، حفاظت و مرمت ساختاری میراث معماری و منشور نیوزلند و منشور بورا به اولویت اجتناب از ایجاد تغییر در بافت تاریخی در مقایسه با ضرورت آن توصیه کرده‌اند. این موضوع در منشور ونیز، همچون نگرش مطرح در آن، ممکن است در موضع مقابل دستاوردهای راهبرد بازسازی که در آن زمان مطرح بود، تدوین شده باشد. استدلالی مشابه را می‌تواند برای باقی‌اسناد این دسته که هم‌زمان با راهبردهای نوسازی و بازآفرینی نگاشته شده‌اند، نیز، ارائه داد. سایر اسناد در سطح رهیافت، به ضرورت اجتناب از تغییر به منظور حفاظت و هم‌زمان ضرورت تغییر به منظور همگامی با نیازها و خواسته‌های عصر معاصر توصیه کرده‌اند. از این رو مدیریت تغییر را مناسب دانسته‌اند که طرح هم‌زمان هر دو رهیافت را ممکن کند. در این میان، اسناد تلاکسکالا و سن‌آنتونیو تغییر را در معنای سنتی آن مدنظر دارند که به نظر می‌رسد با توجه به طرح آن‌ها هم‌زمان با راهبرد بازآفرینی شهری در حفاظت، بازآفرینی را در تداوم سنت منظور کرده‌اند. سایر اسناد، ولی، تغییر را با پذیرش عدم تداوم سنت مطرح کرده‌اند. از میان این اسناد، توصیه‌نامه حراست (۱۹۶۲) و توصیه‌نامه حفاظت (۱۹۶۸) هم‌زمان با راهبرد بازسازی، توصیه‌نامه حفاظت (۱۹۷۲) و سمپوزیوم بین‌المللی معرفی معماری معاصر، کنوانسیون حفاظت از میراث و توصیه‌نامه حراست (۱۹۷۶) هم‌زمان با راهبرد نوسازی و باقی‌اسناد هم‌زمان با راهبرد بازآفرینی تدوین شده‌اند. با وجود تفاوت‌ها، در مورد رهیافت آنچه مورد اتفاق تمامی اسناد است، کل‌گرایی در معنای الزام ارجاع به قواعد بافت تاریخی به مثابه‌ی کل است.

در سطح روش، منشور ونیز، منشور واشنگتن، منشور اصول بررسی، حفاظت و مرمت ساختاری میراث معماری و منشور نیوزلند و منشور بورا به همانندی، با بافت تاریخی و باقی‌اسناد به هماهنگی با بافت تاریخی توصیه کرده‌اند. ولی‌واژه‌ی هماهنگی در اسناد آتن، تلاکسکالا، سن‌آنتونیو، بیانیه‌ی آمستردام، منشور بین‌المللی گردشگری و منشور اروپائیان با سایر اسناد تفاوت معنایی دارد. در منشور آتن به ضرورت هماهنگی میان طرح جدید و بافت تاریخی تأکید شده است ولی دستیابی به آن با تبعیت از ویژگی‌های بافت مطلوب نیست. بیانیه‌ی تلاکسکالا و سن‌آنتونیو هماهنگی را به شکلی مشابه مطرح می‌کنند؛ یعنی مبتنی بر سنت‌گرایی. سه سند بیانیه‌ی آمستردام، منشور بین‌المللی گردشگری و منشور اروپائیان اولویت کاربست مصالح و فنون سنتی را بدین منظور پیشنهاد کرده‌اند. در این میان، سایر اسناد هماهنگی با بافت را با ارجاع به ویژگی‌های آن و در عین حال بیان ویژگی‌های معاصر در صورت سازگاری؛ نوآوری مشروط، توصیه می‌کنند.

با توجه به همبستگی میان نگرش، رهیافت و روش طراحی، و بر مبنای مدل روش‌شناسی گروت که طبق آن نگرش بر رهیافت و روش اثرگذار است. روش به رهیافت و نگرش خدمت می‌کند، اسنادی که تکیه بر اولویت سندانگاری و الزام اجتناب از تغییر و همانندی دارند، روش پیشنهادی به هدف تعریف شده در سطح رهیافت و نگرش کمک می‌کند. در این حالت آنچه که به بافت تاریخی اضافه شده است معماری در زبان معاصرش نیست. در نتیجه امکان طرح اهداف معاصرسازی محدود می‌شود. در مورد اسنادی که بر مبنای سنت مفاهیم تغییر و تکامل را تعریف کرده‌اند نیز، سندانگاری و بافت‌شهری‌انگاری منجر به مدیریت تغییر در معنای سنتی آن می‌شود که آن نیز، طرح بنای جدید به عنوان معماری معاصر در معنای سنتی را همراه دارد. چنین طرحی نیز برآوردکننده‌ی موضع توصیه شده در نگرش و رهیافت است ولی در این حالت نیز نمی‌توان مدعی افزودن معماری معاصر متکی بر پارادایم مبنا در جوامع مدرن بود؛ یعنی پارادایمی که

مداخله در بافت به این شکل را با چالش روبرو کرده است. در این میان سایر اسناد نیز به شیوه‌ای مشابه ولی به شکلی دیگر در معرض این نقد هستند. باقی اسناد، سندانگاری و بافت شهری‌انگاری، الزام مدیریت تغییر را با ارجاع به کل به دنبال داشته است و این رهیافت نیز الزام هماهنگی با بافت را. از جانب دیگر، هماهنگی تأمین‌کننده‌ی ضرورت مدیریت تغییر و حفاظت از سندیت آن در کنار حفاظت از آن به عنوان بخشی از شهر است. در این حالت، در روش طراحی با ارجاع به ویژگی‌های بافت تاریخی به واسطه‌ی توصیه به هماهنگی، بدون تقلید و با مشروط کردن نوآوری به سازگاری، و تمایز بدون غلبه، تا حدی امکان طرح ایجاد تغییر و معاصرسازی برای همگامی بافت با نیازها و خواسته‌های عصر جدید برای تداوم زندگی شهر در بافت و افزودن بیان معماری معاصر به عنوان میراث عصر حاضر برای آیندگان فراهم است.

بنابراین در اسناد سازمان‌های بین‌المللی تا حال، سه رویکرد طراحی معماری معاصر در بافت تاریخی مطرح شده‌اند که بررسی دقیق‌تر ساختار آن‌ها با مطالعه‌ی مظاهریان و شاه‌تیموری (۱۳۹۱)، بیگ‌زاده‌شهرکی (۱۳۹۳) و ابرار (۲۰۱۹) نشان می‌دهد دستورالعمل توصیه شده برای طراحی، هرچند در حالت کلی مشابه است، ولی بر مبنای سه نگرش قابل تمایز و معطوف به سه رهیافت متفاوت، سه صورت متفاوت دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

رویکردهای طراحی معماری میان بافت تاریخی در اسناد سازمان‌های بین‌المللی به عنوان قوانین نرم، منبع و مرجع مهمی برای تدوین استانداردهای طراحی و ارزیابی‌اند. از این رو، بررسی دقیق آن‌ها اهمیت دارد؛ موضوعی که تا به حال با اشتراک‌گرایی و عدم توجه به تفاوت‌ها مدنظر قرار گرفته است. در نتیجه‌ی اتخاذ این رویکرد در بررسی اسناد در پژوهش‌های مرتبط است که رویکردهای طراحی در بافت تاریخی و تفاوت در نگرش و رهیافت و روش از نظر پنهان مانده است. بنابراین، در پژوهش حاضر، به منظور

صورت‌بندی این رویکردها و با کمک مقایسه‌ی تطبیقی محتوای مطرح در اسناد به موازات آمار توصیفی، توصیف آن‌ها و ساختارشان پیگیری شد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که سه رویکرد طراحی به تفکیک از سوی سازمان‌های بین‌المللی تاکنون تدوین و پیشنهاد شده است.

در رویکرد اول، اولویت سندیت بافت تاریخی بر بافت شهر انگاری نگرش مناسب است که به موجب آن به ارجحیت اجتناب از تغییر بر تغییر و در صورت الزام تغییر، به ضرورت هماهنگی حداکثری با پیروی از ویژگی‌های بافت تاریخی؛ همانندی، توصیه شده است. هرچند در این نظریه، نگرش مبنا توجیه‌کننده‌ی رهیافت و روش است ولی طرح بنایی معاصر و بالتبع صحبت از معاصرسازی محدود و تا حدی غیرممکن است. در رویکرد دوم، نگرش مبنا، سندانگاری و بافت شهری انگاری بافت تاریخی است. بر این اساس، در رهیافت پیشنهادی به مدیریت تغییر با طراحی بنایی هماهنگ با بافت تاریخی با کاربست الگوهای آن توصیه شده است. در این رویکرد، مبنای نگرش و توصیه‌ها سنت‌گرایی است؛ به این معنا که در طراحی طوری عمل شود که در سنت به طور عام و در معماری و شهرسازی سنتی به طور خاص روی می‌دهد. رهیافت و روش مطرح در این رویکرد هم، همچون رویکرد قبل برخاسته از نگرش مبنا توجیه‌پذیر است و روش هم برآوردکننده‌ی اهداف رهیافت و نگرش است ولی حاصل طراحی نمی‌تواند منجر به طرح بنایی معاصر در جوامع مدرن شود که از دوره‌ی سنت گذر کرده‌اند. در رویکرد سوم، نیز، نگرش، رهیافت و روش مشابه آن‌چه در نظریه‌ی قبل مطرح است، پیشنهاد شده است با این تفاوت که مبنای آن نه سنت و سنت‌گرایی که مدرنیته است. در این رویکرد، روش و رهیافت توصیه شده برخاسته از نگرش توجیه‌پذیر است و در مقایسه با دو رویکرد قبلی طرح معماری معاصر بیشتر ممکن است. با این وجود، در این نظریه، طرح معماری معاصر بر مبنای الگوگرایی بدون سنت‌گرایی، نوآوری به شرط هماهنگی و سازگاری، و تمایز بدون غلبه، موضوعاتی است که باید تدقیق شوند.

جدول ۵- رویکردهای پیشنهادی طراحی در بافت تاریخی در اسناد سازمان‌های بین‌المللی (منبع: نگارندگان).

رویکرد طراحی اول		
نگرش	رهیافت طراحی	روش طراحی
سندنگارانه	اجتناب از تغییر و کل‌گرایی	هماندی
رویکرد طراحی دوم		
نگرش	رهیافت طراحی	روش طراحی
سندنگارانه و بافت‌شهری‌انگارانه	مدیریت تغییر با کاربست الگوهای معماری و شهرسازی سنتی، کل‌گرایی	همانگی با بافت تاریخی با کاربست الگوهای معماری و شهرسازی سنتی
رویکرد طراحی سوم		
نگرش	رهیافت طراحی	روش طراحی
سندنگارانه و بافت‌شهری‌انگارانه	مدیریت تغییر، کل‌گرایی	همانگی با بافت تاریخی

from:

https://www.researchgate.net/publication/279187391_Social_Research_Methods_Qualitative_and_Quantitative_Approaches.

- Groat L, Wang D. Architectural Research Methods. 2013. Wiley: USA. Available from: https://nexosarquisufiles.wordpress.com/2016/03/architecturalresearchmethods-groat_wang.pdf.

- The Getty Conservation Institute. Contemporary Architecture in Historic Environment; An Annotated Bibliography. 2015 Edited by: Sara Lardinois, Ana Paula Goncalves, Laura Matarese and Susan Macdonald. The Getty Conservation Institute: USA. Available from: https://www.getty.edu/conservation/publications_resources/pdf_publications/pdf/cahe_bibliography.pdf.

- Mazaherian H, Shahtemori Y. International Approaches to New Constructions in Historic Context (Study of Theories and International Agreements). Naqshejahan. 2012. 2(1): 7-18. [Persian]. Available from: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-10737-fa.html>.

- Oers R. Managing cities and the historical Urban landscape Initiative: An Introduction, in Managing historic Cities. World Heritage Centre, France: World Heritage Centre.

تشکر و قدردانی: این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری نویسنده اول، با عنوان « معاصر سازی؛ تبیین دیالوژیک بر مبنای نظریه تضاد و تکامل معماری معاصر و بافت تاریخی » است که به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم و مشاوه نویسنده چهارم در دانشگاه تهران در حال انجام است. **تأییدیه‌های اخلاقی:** موردی توسط نویسندگان گزارش نشد.

تعارض منافع: تعارض منافع وجود ندارد.

سهم نویسندگان در مقاله: سهم ایلقار اردبیلچی، سعید حقیر، حامد مظاہریان و سعید خاقانی به عنوان نویسنده اصلی (۲۵ درصد) گزارش شده است.

منابع مالی/حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشد.

منابع

- Azizi M. The evolution of intervention policies in old urban contexts in Iran. Fine Arts. 2000. 7: 37-46. [Persian] Available from: https://journals.ut.ac.ir/article_13935.html.
- Neuman W. Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches. 2009. Pearson Publisher: UK. Available

- contemporary-architecture-into-ancient-groups-of-buildings-at-the-3rd-icomos-general-assembly.
13. ICOMOS. The Declaration of Amsterdam. Congress on the European Architectural Heritage. 21 - 25 October 1975. Available from: <https://www.icomos.org/en/and/169-the-declaration-of-amsterdam>.
14. ICOMOS. Recommendation Concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas. the General Conference at its Nineteenth. 26th November 1976. Available from: <https://www.icomos.org/public/publications/93towns7o.pdf>.
15. ICOMOS. Tlaxcala Declaration on the Revitalization of Small Settlements. third Inter-American Symposium on the Conservation of the Building Heritage. 25th to 28th October 1982. Available from: <https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards/385-tlaxcala-declaration-on-the-revitalization-of-small-settlements>.
16. ICOMOS. Appleton Charter for the Protection and Enhancement of the Built Environment. August 1983, Available from: <https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/appleton.pdf>.
17. ICOMOS. The Washington Charter: Charter on the Conservation of Historic Towns and Urban Areas. ICOMOS General Assembly in Washington DC. October 1987. Available from: https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/towns_e.pdf.
18. ICOMOS. The Declaration of San Antonio, the ICOMOS National Committees of the Americas. 27th-30th March 1996. Available from: <https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards/188-the-declaration-of-san-antonio>.
19. ICOMOS. Charter on the Built Vernacular Heritage. the ICOMOS 12th General Assembly. October 1999. Available from: https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/vernacular_e.pdf.
2010. Available from: <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000211905>.
7. Beigzadeh Shahraki H, Masoud M. Principles of infill buildings formation in historical urban fabrics, according to international declarations and charters. Urban Regional Studies and Research. 2014. 6 (12): 85-108. [Persian]. Available from: https://urs.ui.ac.ir/article_20102.html?lang=en.
8. Beigzadeh Shahraki H. Infill Architecture in Historic Urban Contexts Principles and Criteria. 2012. Ph.D. Dissertation, Historical Buildings Restoration and Preservation College; Isfahan University. [Persian]. Available from: <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/a42cfbea6bac07378991ad2e0824661e>.
9. Masoud M, Beigzadeh Shahraki H. Infill building in historical urban textures principles and criteria. 2012. Azarakhsh: Tehran; Iran. [Persian].
10. Abrar N. CONTEMPORARY ARCHITECTURE IN HISTORICAL CONTEXT (GUIDELINES FROM IMPORTANT INTERNATIONAL CHARTERS). in Space International Conference on Architectural Culture & Society. 2019. Docklands Academy, 66-74. Available from: https://www.researchgate.net/publication/339080690_CONTEMPORARY_ARCHITECTURE_IN_HISTORICAL_CONTEXT_GUIDELINES_FROM_IMPORTANT_INTERNATIONAL_CHARTERS.
11. ICOMOS. International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Site. 2nd International Congress of Architects and Technicians of Historic Monuments. 31 May 1964. Available from: <https://www.icomos.org/en/participer/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards/157-the-venice-charter>
12. ICOMOS. The International Symposium on the Introduction of Contemporary Architecture into Ancient Groups of Buildings. the 3rd ICOMOS General Assembly. 27th and 28th June 1972. Available from: <https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts/180-articles-en-francais/chartes-et-normes/383-resolutions-of-the-symposium-on-the-introduction-of>

- Landscapes and Sites. General Conference at its 20th Session. 2 December 1962. Available from: <https://www.icomos.org/public/publications/93towns7a.pdf>.
28. UNESCO. Recommendation concerning the Preservation of Cultural Property Endangered by Public or Private Works. 1968. Available from: <https://www.unesco.org/en/legal-affairs/recommendation-concerning-preservation-cultural-property-endangered-public-or-private-works>.
 29. UNESCO. Recommendation Concerning the Protection, at National Level, of the Cultural and Natural Heritage. 1972. Available from: <https://www.google.com/search?client=firefox-b-d&q=Recommendation+Concerning+the+Protection%2C+at+National+Level%2C+of+the+Cultural+and+Natural+Heritage>.
 30. UNESCO. Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage. 16–23 November 1975. Available from: <https://whc.unesco.org/en/conventiontext/>.
 31. UNESCO. Vienna Memorandum on “World Heritage and Contemporary Architecture - Managing the Historic Urban Landscape. 15th General Assembly of States Parties, 10-11 October 2005. Available from: <https://whc.unesco.org/en/documents/5965>.
 32. UNESCO. Recommendation on the historic Urban Landscape. 10 November 2011. Available from: <https://whc.unesco.org/uploads/activities/documents/activity-638-98.pdf>.
 33. UNESCO. New life for historic cities: The historic urban landscape approach. 2013. Available from: <https://whc.unesco.org/en/activities/727/>.
 34. UNESCO. The HUL Guidebook: Managing Heritage in Dynamic and Constantly Changing Urban Environments, 2016. Available from: <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000259684>.
 35. UNESCO. Living with World Heritage: Adaptive Reuse and Regeneration in the
 20. ICOMOS. International Cultural Tourism Charter: Managing Tourism at Places of Heritage Significance. 2th General Assembly in Mexico. October 1999. Available from: https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/INTERNATIONAL_CULTURAL_TOURISM_CHARTER.pdf.
 21. ICOMOS. The Charter of Krakow, the International Conference. 2000. Available from: https://icomosubih.ba/pdf/medjunarodni_dokumenti/2000%20Krakovska%20povelja.pdf.
 22. ICOMOS. ICOMOS charter: Principles for the analysis, conservation and Structural Restoration of Architectural Heritage. 14th General Assembly. 2003. Available from: October, <https://www.icomos.org/en/about-the-centre/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards/165-icomos-charter-principles-for-the-analysis-conservation-and-structural-restoration-of-architectural-heritage>.
 23. ICOMOS. New Zealand Charter. 13th ICOMOS General Assembly and Scientific Symposium. Actas. 2010. Available from: https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/ICOMOS_NZ_Charter_2010_FINAL_11_Oct_2010.pdf.
 24. ICOMOS. The Valletta Principles for the Safeguarding and Management of Historical Cities, Towns and Urban Area. 17th ICOMOS General Assembly .28 November 2010. Available from: https://civvih.icomos.org/wp-content/uploads/2022/03/Valletta-Principles-GA_EN_FR_28_11_2011.pdf.
 25. ICOMOS. The Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter for the Conservation of Places of Cultural Significance. 2013. Available from: <https://australia.icomos.org/wp-content/uploads/The-Burra-Charter-2013-Adopted-31.10.2013.pdf>.
 26. ICOMOS. Principles for the Conservation of Heritage Sites in China. Rev. ed. Beijing Shi: Wen wu chu ban she. 2015. Available from: http://hdl.handle.net/10020/gci_pubs/china_principles_2015.
 27. UNESCO. Recommendation Concerning the Safeguarding of the Beauty and Character of

- Available from:
https://www.jgeoqeshm.ir/article_128063.html?lang=en DOI:
20.1001.1.22286462.1399.11.1.2.6.
43. Gharehbaglou M, Ardabilchi I. The Impact of Changes in Environmental Meanings on Users' Perceptions: A Case Study of Infill Architecture in the Historic Bazaar of Tabriz. *Architecture, City and Environment*. 2021, 16(47): 1-22. Available from: <http://dx.doi.org/10.5821/ace.16.47.9638>.
44. Euro-Mediterranean region. UNESCO-UfM online conference "Living with World Heritage: Adaptive Reuse and Regeneration in the Euro-Mediterranean region". 17-18 May 2021. Available from: <https://whc.unesco.org/en/events/1590/>.
36. CIAM. Athen Charter. 1933. Available from: <https://www.icomos.org/en/167-the-athens-charter-for-the-restoration-of-historic-monuments>.
37. Habibi M, Maghsoodi M. Urban restoration: definitions, theories, experiences, international charters and resolutions, urban methods and actions. 2011. Teran; Tehran University Press. [Persian]
38. The Council of Europe. European charter of the architectural heritage. 1975. Available from: https://www.getty.edu/conservation/publications_resources/research_resources/charters/charter21.html.
39. The Council of Europe. Convention for Protection of the Architectural Heritage of Europe. The Granada Convention. 3 October 1985. Available from: <https://www.coe.int/en/web/culture-and-heritage/granada-convention>.
40. Bahreini H, Isadi M, Mofidi M. The Approaches and Policies of Urban Renewal from "Urban Reconstruction" to "Sustainable Urban Regeneration". *Urban Studies*. 2014, 3(9): 17-30. [Persian]. Available from: https://urbstudies.uok.ac.ir/article_7883.html.
41. Gharehbaglou M, Nejad Ebrahimi A, Ardabilchi I. Infill Architecture: An Interdisciplinary Approach to the Design of Historic Context; Case Study: Mashruteh Complex in the Historic Bazaar of Tabriz, Iran. *Bagh-e Nazar*. 2019, 16(76): 57-68. [Persian]. Available from: https://www.bagh-sj.com/article_93433.html?lang=en. DOI: 10.22034/bagh.2019.142666.3713.
42. Gharehbaglou M, Balali Oskui A, Ardabilchi I. Analysis of Qualitative Components of Infill Architecture in the Historic context of Tabriz (Case Study: Mashruteh and Saheb-ol-Amr Complexes in the Historic Bazaar). *Quarterly of Geography and Regional Planning*. 2021, 10(41):15-31. [Persian].